

سرمایه گذاری ۲ میلیارد دلاری برای رفع

مشکل آب در کشور

❖ رئیس دفتر رئیس جمهوری: نگاه محلی به موضوع آب در سال‌های گذشته مشکلات زیادی

برای کشور ایجاد کرده است

❖ آبرسانی به برخی مناطق شهری و روستایی هنوز با تاخیر انجام می‌شود

صفحه ۴

سه شنبه ۹ دی ۱۳۹۳ - ۷ ربیع الاول ۱۴۳۶ - ۳۰ دسامبر ۲۰۱۶ - سال هشتادونهم - شماره ۲۶۰۵۴ - صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

# رئیس مجلس: تقویت بنیه دفاعی ایران به نفع منطقه است



پیام فرمانده کل قوا برای شرکت کنندگان در رزمایش بزرگ ارتش

صفحه ۱۳

هلاکت ۱۸۰ داعشی در عملیات آزادسازی

«یثرب» عراق

❖ در حملات ارتش و نیروهای مردمی عراق به یثرب ۶ محموله بزرگ نظامی داعش منهدم شد

❖ ارتش عراق وارد «ضلعوبه» شد

❖ انفجار شمال بغداد ۲۲ کشته داشت

صفحه ۱۶

## اوباما: ایران می‌تواند قدرت برتر منطقه شود

❖ نگرانی‌های دفاعی ایران را کاملاً درک می‌کنم

❖ برنامه مسالمت‌آمیز هسته‌ای ایران را به رسمیت می‌شناسیم

❖ شانس رسیدن به توافق با ایران وجود دارد

❖ شرایط ایران با کوبا متفاوت است

❖ داعش برای آمریکا و متحدانش خطرناک است

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در گفتگو با اطلاعات:

**کنفرانس وحدت با مشارکت ۶۲ کشور اسلامی در تهران برگزار می‌شود**

❖ این کنفرانس قرار است در روزهای ۱۷ تا ۱۹ دی برگزار شود  
❖ فیلم ایرانی «محمد رسول‌الله(ص)» هم‌زمان با برپایی کنفرانس وحدت رونمایی می‌شود

❖ از ۲ شخصیت بزرگ جهان اسلام، امام موسی‌صدر و «فتحی‌یکن» از علمای اهل سنت در کنفرانس وحدت تجلیل به عمل می‌آید

صفحه ۱۴

توقف فعالیت کارخانه‌ها و تعطیلی

زنگ ورزش مدارس تهران

به دلیل آلودگی هوا

❖ مدیر کل محیط زیست استان تهران: شاخص کیفیت آلاینده‌های هوای شهر تهران امروز به ۱۴۰ و فردا حداکثر به ۱۶۰ خواهد رسید

❖ سعید مصدقی معاون سازمان حفاظت زیست: روزهای ناسالم تا ۳۰ آذر، ۷۷ روز و در مدت مشابه سال قبل ۱۰۰ روز بوده است

صفحه ۱۴

سرویس خارجی: باراک

اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در

مصاحبه با رادیو ملی این کشور

گفت: اگر ایران با توافق بلند مدت

هسته‌ای موافقت کند، می‌تواند

به یک قدرت منطقه‌ای بسیار

موفق تبدیل شود که از قوانین و

هنجارهای بین‌الملل نیز تبعیت

می‌کند و این مساله برای همگان

سودمند خواهد بود.

وی افزود: ایران شانس این

را دارد که تکلیف خود را با جهان

متشخص کند. ایران باید فرصت

رسیدن به توافق نهایی که می‌تواند

تخریب‌ها علیه این کشور را لغو

کند، غنیمت شمرد، زیرا این توافق

استعدادها و ظرفیت‌هایی درون

ایران را شکوفا می‌کند.

رئیس جمهوری آمریکا تأیید

کرد، و رسیدن به توافق هسته‌ای با

ایران ممکن است.

بقیه در صفحه ۱۶

دکتر نوبخت

رئیس سازمان

مدیریت و

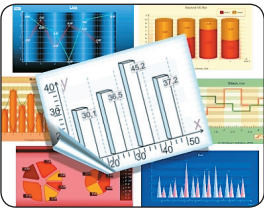
برنامه‌ریزی

شد

صفحه ۲



**اطلاعات ویژه**  
**نجف آباد، تیران و کرون**  
**و شهرستان لنجان**  
ضمیمه رایگان اطلاعات امروز از ده های مطبوعاتی در استان مربوطه بخواهید



**اقتصاد**  
**سیمای اقتصاد**  
**از ر کود تا بهبود**  
صفحه ۷



**تقویم‌های اقتصادی**  
**اقتصاد سیاسی چیست؟**  
آن درازن  
ترجمه دکتر جعفر خیرخواهان  
صفحه ۶



**گزارش**  
**همسفر راهیان**  
**سلامت و امید**  
صفحه ۵

**میان‌داغ**  
**حماسه**  
**وحدت کلمه**  
فتح الله املی  
صفحه ۲

**محک‌نشین در کسب تجربه**  
**هشدار دبیر شورای امنیت ملی!**  
صفحه ۲

می‌توانند تا تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۹ نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه مدارک ذیل راه امور حقوقی و قراردادهای مدیریت اکتشاف به نشانی: تهران، میدان ونک، ابتدای خ شمول، بن‌بست یکم، ساختمان مدیریت اکتشاف، طبقه دوم مراجعه نمایند.

– مدارک رسمی شرکت از جمله اساسنامه، آگهی تأسیس، روزنامه رسمی، آگهی آخرین تغییرات و شناسه ملی

– ارائه‌فهرم خوداظهاری در سایت ep.mop.ir مبنی بر میزان ظرفیت‌های اشغال شده و ظرفیت آزاد و مبالغ آن

– سوابق و تجربه کاری مرتبط

– لیست کارکنان کلیدی که پس از برنده شدن در مناقصه همکاری می‌نمایند.

– تأییدیه از کارفرمایان قبلی.

– فهرست تجهیزات و امکانات موجود در مناقصه موضوع

– داشتن گواهینامه‌های مرتبط از مراجع ذیصلاح

اسناد و مدارک مناقصه بین شرکت‌های واجد شرایط که به تشخیص مناقصه‌گذار تعیین صلاحیت خواهند شد، توزیع خواهد گردید.

(محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها متعاقباً به اطلاع خواهد رسید). بدیهی است ارائه مدارک فوق‌الذکر هیچ‌گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۲۰۳۳۰۱ تماس حاصل نمایند.

WWW.SHANA.IR  
WWW.NIOCEXP.IR  
WWW.ITES.MPORG.IR

**روابط عمومی مدیریت اکتشاف**

شماره مجوز: ۱۳۹۳/۲۸۹

**نوبت اول**

**شرکت ملی نفت ایران**  
**مدیریت اکتشاف**

**آگهی فراخوان**  
**موضوع: مناقصه شماره ۹۳۱۴۰**  
**خرید ۲۵۰۰ کیسه گوار کام TE-۳۳۱۷۶-۳ XLS**

**مدیریت اکتشاف – شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد موضوع مناقصه فوق‌الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از شرکت‌های واجد شرایط خریداری نماید.**

**برآورد مناقصه مبلغ ۱۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.**

**(الف) شرح کالای مورد نیاز: خرید ۲۵۰۰ کیسه گوار کام (ب) مدت اجرای قرارداد: ۶ ماه**

**(ج) محل تحویل کالا:**

**مقدار ۲۵۰۰ کیسه گوار کام تحویل شیراز، ۴۵ کیلومتری جاده فیروز آباد، ورودی شهر گوار، مجتمع عملیات انبارداری مدیریت اکتشاف**

**(د) شرایط مناقصه‌گر:**

- ۱- داشتن شخصیت حقوقی
- ۲- داشتن امکانات، تجهیزات مناسب و نیروی انسانی با تجربه
- ۳- داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه
- ۴- داشتن توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و در صورت برنده شدن ارائه ضمانتنامه حسن انجام کار طبق ضوابط کارفرما، مندرج در اسناد و مدارک مناقصه.

متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند «د» فوق می‌باشند،

**فیدل کاسترو**

**آخرین بازمانده جنگ سرد و جانش‌های درونی و بیرونی کوبا**

**نوشته محمد مهدی مختاری**

قطع رقی، ۱۵۶ صفحه، چاپ دوم: ۵۵۰۰ تومان

بدون تردید فیدل کاسترو را می‌توان یکی از خبرسازترین و کاریزماتیک‌ترین رهبران دوران جنگ سرد نامید. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی، فقدان دموکراسی بزرگ‌ترین نقیصه سیستم سیاسی کوبا طی چهار دهه حاکمیت دولت انقلابی فیدل کاسترو به عنوان آخرین بازمانده جنگ سرد به شمار می‌رود. اعتبار اخلاقی کاسترو در بین مردم آمریکای لاتین و بعضاً کشورهای جهان سوم برگرفته از بعضی اقدامات زیربنایی همچون ریشه‌کنی بی‌سوادی و توسعه سیستم بهداشت و درمان مردم کوبا است و فیدل کاسترو توانست در طول یک سال بی‌سوادی راز ۲۰ درصد به ۲ درصد کاهش دهد. با این وجود، صاحب‌نظران با این سؤال مواجه‌اند که فیدل کاسترو و رژیم سیاسی کوبا تا چه زمانی قادر خواهد بود در مقابل مشکلات فزاینده داخلی دوام بیاورد؟ از سوی دیگر، واشنگتن نیز توانسته با اعمال تحریم‌های خاص در تصمیم‌رهمبران کوبا تغییری ایجاد کند. نویسنده این کتاب بدون این‌که قصد ارائه قضاوتی ارزشی نسبت به صحت و یا عدم صحت راهی که کوبا پیموده داشته باشد، در راستای سوال پیش آمده، درصدد است ضمن آنکه به علت و انگیزه رهبران کوبا بر این پایداری پی ببرد، دریافت تا چه حد کوبا می‌تواند با توجه به کناره‌گیری فیدل کاسترو از قدرت، به سیاست گذشته خود ادامه دهد.

❖ فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶  
❖ فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۳۴۴  
❖ نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۴۴، ۲۹۹۹۳۳۰۶  
❖ برای خرید بستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۳۰۶ تماس حاصل فرمایید.  
❖ آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabtelalaat.com

**آگهی مزایده عمومی**  
**[نوبت اول]**

این سازمان در نظر دارد عرصه و اعیانی متعلق به خود به پلاک ثبتی دو هزار فرعی از یک اصلی شهرستان پالسر عرصه به مساحت نهصد و چهار مترمربع و دودستگاه اعیانی قدیمی در آن موسوم به خانه‌های سرپرستی را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند طرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس‌های زیر مراجعه و پیشنهادها خود را به همراه فیش واریزی به مبلغ ۵ درصد سپرده شرکت در مزایده در سه پاکت جداگانه، پاکت الف ۵/۵ – سپرده شرکت در مزایده، پاکت ب: اسناد و شرایط شرکت در مزایده، پاکت ج: پیشنهاد قیمت، که هر سه پاکت داخل یک پاکت بزرگ قرار داده سربسته و لاک و مهر شده حداکثر ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار آگهی به یکی از آدرس‌های زیر تحویل و رسید دریافت نمایند.

۱- مدیریت تعاون روستایی استان مازندران – ساری – خیابان ۱۵ خرداد جنب مسجد سالخورده – اداره امور عمومی

۲- تهران – خیابان ولیعصر – بالاتر از میدان ولیعصر – روبروی سینما آفریقا – سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران – طبقه همکف – دبیرخانه کمیسیون معاملات.

سایت سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران WWW.CORC.IR

ضمناً جلسه بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه ۹۳/۱۰/۳۰ در دفتر معاون اداری و مالی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران می‌باشد و حضور کلیه پیشنهاددهندگان در جلسه بازگشایی پاکت‌ها الزامی است.

قیمت پایه عرصه و اعیانی مورد مزایده براساس ارزیابی هیأت کارشناسان رسمی دادگستری به مبلغ ۴۳۰۲۱۶۰۰/۰۰۰ (چهار میلیارد و سیصد و دو میلیون و شصت هزار ریال) می‌باشد.

**سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران**

**قابل توجه فرهنگدوستان**

**از سایت فروشگاه اینترنتی (کتب‌خانه اطلاعات) بازدید کنید.**

**بایوسن به سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات**

**کتاب مورد علاقه خود را تهیه نمایید.**

**www.ketabtelalaat.com**

**واحد اطلاع رسانی انتشارات اطلاعات**

**وزارت نیرو**

**شرکت مدیریت منابع آب ایران**

**شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان**

**آگهی فراخوان ارزیابی کیفی**  
**(نوبت دوم)**

**شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان در نظر دارد عملیات اجرایی احداث سد مخزنی ماشکید سفلی را با مشخصات زیر از طریق فراخوان عمومی و برگزاری مناقصه به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید.**

– موضوع: عملیات اجرایی احداث سد مخزنی ماشکید سفلی

– شرح مختصری از مشخصات کار:

طول تاج ۱۴۶ متر، ارتفاع ۳۳ متر از نوع بتن غلتکی بوده و سرریز اصلی سد از نوع آزاد اوجی شکل به طول ۴۵۰ متر می‌باشد.

– مدت اجرای کار: ۴۸ ماه

– رتبه پیمانکاری: رتبه یک در رشته با صادره از سوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهور

– دستگاه مناقصه‌گذار: شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان

جهت خرید اسناد ارزیابی کیفی از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۷ روز کاری در ساعت اداری به آدرس زاهدان خیابان دانشگاه نبش دانشگاه ۳۹ شرکت سهامی آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان دفتر قراردادهای و خدمات طرح‌ها با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی به نام آب منطقه‌ای و فیش واریزی به مبلغ ۲۰۰ هزار ریال به حساب درآمد شرکت به شماره حساب سیبا ۲۰۸۰۷۰۰۸۲۶۰۲۱۷۵ نزد بانک ملی شعبه انقلاب زاهدان مراجعه نمایند.

**روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان**

**ماکسیم**  
پوشاک نسل امروز... و فردا

**۲۰٪ تخفیف ویژه**

**maxim**  
COLLECTION

**آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۹۰**

فرماندهی آباد و پشتیبانی نیروی زمینی ارتش در نظر دارد، مقدار ۱۷/۲۵۰/۰۰۰ کیلوگرم شکر مورد نیاز خود را برابر شرایط و مشخصات از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا از کلیه تولیدکنندگان و فروشندگان عمده دعوت به عمل می‌آید از تاریخ ۹۳/۱۰/۰۹ لغایت مورخه ۹۳/۱۰/۲۰ یا در دست داشتن مدارک مشروحه ذیل، به آدرس زیر مراجعه و برگ شرایط و مشخصات مربوطه را اخذ نمایند.

۱- فیش واریزی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری طلایی شماره ۵۱۵۱۵۷۸۲۱۲۰۰۷ نزد بانک سپه به نام برگشت عواید دارایی ف آباد و پیش‌نزاچا.

۲- معرفی‌نامه کتبی.

آدرس: تهران – آقدسیه – ابتدای بزرگراه ارتش – پادگان فرماندهی آباد و پشتیبانی نزاچا (پیروان ولایت) – مدیریت تهیه و خرید.

تلفکس: ۲۶۱۲۳۴۴۶ | تلفن: ۲۲۸۰۶۶۸۲

۷- مهلت خرید اسناد مزایده: از تاریخ درج آگهی به مدت پنج روز کاری.

۸- آدرس محل خرید اسناد، تسلیم پیشنهادها و بازگشایی پاکت: تهران، خیابان ولیعصر، ابتدای اتوبان نیایش، مجموعه ورزشی انقلاب، شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، امور قراردادهای

۹- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: از تاریخ انتام مهلت دریافت اسناد به مدت ۱۰ روز

۱۰- زمان بازگشایی پاکت: پیشنهادت واصله یک روز بعد از پایان مهلت ده روزه تحویل پاکت در کمیسیون معاملات باز و خوانده می‌شود. پس از بازگشایی پاکت (الف و ب)، پاکت «ج» بازگشایی می‌شود. به پیشنهادت فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

❖ بازگشایی پاکت با پیشنهاد سه مزایده‌گر انجام خواهد شد.

❖ هزینه آگهی و کارشناسی تعیین پایه مزایده به عهده برنده مزایده است.

❖ درج این آگهی هیچگونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گذار ایجاد نمی‌نماید.

❖ شرکت در قبول و یا رد همه یا هر یک از پیشنهادت واصله مختار خواهد بود.

❖ جهت اطلاع بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور به آدرس: http://iets.mporg.ir و یا به سایت شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی به آدرس: www.tanavar.ir مراجعه نمایند.

**شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور**

**آگهی مناقصه عمومی**  
**شماره ۹۳/۱۰۰/۷**

شرح در صفحه ۷

**روزنامه اطلاعات**  
**۶ ماهه اول سال ۱۳۴۹**  
**و مرداد ۱۳۶۳**  
**هر DVD به قیمت ۲۲۰۰ تومان**

**آگهی مناقصه عمومی دومر حله‌ای شماره ۱۸۹**

فرماندهی آباد و پشتیبانی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد، از طریق برگزاری مناقصه عمومی نسبت به خرید تعداد ۱۶۱۲۰۰ بسته جای پانصد گرمی مورد نیاز خود اقدام نماید لذا از کلیه کارخانجات و تولیدکنندگان عمده دعوت به عمل می‌آید از تاریخ ۹۳/۱۰/۰۹ لغایت مورخه ۹۳/۱۰/۲۰ یا در دست داشتن مدارک مشروحه ذیل، به آدرس زیر مراجعه و برگ شرایط و مشخصات مربوطه را اخذ نمایند.

۱- فیش واریزی به مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۵۱۵۱۵۷۸۲۱۲۰۰۷ نزد بانک سپه به نام برگشت از عواید دارایی ف آباد و پیش‌نزاچا.

۲- معرفی‌نامه کتبی.

آدرس: تهران – آقدسیه – ابتدای بزرگراه ارتش – پادگان فرماندهی آباد و پشتیبانی نزاچا (پیروان ولایت) – مدیریت تهیه و خرید.

تلفکس: ۲۶۱۲۳۴۴۶ | تلفن: ۲۲۸۰۶۶۸۲

**آگهی مزایده**

**شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور در نظر دارد به‌داری از دو باب بوفه و یک باب فروشگاه ورزشی مجموعه ورزشی شهید شریعتی از طریق تشریات قانونی مزایده به اشخاص (حقیقی، حقوقی) واجد شرایط واگذار نماید.**

۱- نام و نشانی مزایده‌گذار: شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور به آدرس: تهران – ابتدای اتوبان نیایش، مجموعه ورزشی انقلاب – تلفن: ۲۳۲۱۶۳۰۰

۲- موضوع مزایده: بهره‌برداری از دو باب بوفه و یک باب فروشگاه ورزشی در مجموعه ورزشی شهید شریعتی

۳- مبلغ پایه کارشناسی (مزایده): ۲۹۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست و نود و هشت میلیون) ریال

۴- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: مبلغ تضمین شرکت در مزایده: ۱۵۰۰۰/۰۰۰ ریال (پانزده میلیون ریال).

۵- مدت بهره‌برداری: از تاریخ قرارداد به مدت یک سال شمسی.

۶- نحوه خرید اسناد مزایده: واریز مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۰۰۱۰۳۵۸۹۲۱۷۰ بانک ملی شعبه نمایشگاه، به نام شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور.







## کوتاه آموزشی



## برگزاری پنجمین دوره مسابقات بین المللی ری آن دانشجویان در برج میلاد

پنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن دانشجویان مسلمان یازده دی ماه با شعار قرآن منادی مهربان، وحدت و کرامت انسانی در سالن همایش های برج میلاد آغاز می شود. مسابقات جمعه و شنبه ۱۲ و ۱۳ دی ماه از ساعت ۱۰ تا ۲۱ دقیقه برگزار می شود و مرحله نهایی و آیین اختتامیه ۱۴ دی از ساعت ۱۸۳۰ تا ۲۱ در برج میلاد تهران برپا خواهد شد.

## دکتر میرزاده: دانشگاه آزاد ۴۳ درصد بار آموزش عالی را بر دوش می کشد

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی از رسانه ها درخواست کرد که تلاش دانشگاه آزاد اسلامی برای کفیی سازی را به صورت حرفه ای در چارچوب سیاست های خود و چشم انداز آموزش عالی تبیین کنند.

دکتر حمید میرزاده با بیان این که دانشگاه آزاد اسلامی با داشتن بیش از ۶۱ هزار استاد در دنیا یک جنبه پربهای علمی و بی نظیر است، گفت: سرانه فضای آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی حدود هشت متر مربع به ازای هر دانشجو است.

وی افزود: دانشگاه آزاد اسلامی ۴۰ درصد بار آموزش پزشکی را بر عهده دارد و حدود ۴۳ درصد بار آموزش عالی در رشته های دیگر را بر دوش می کشد و نقشی ویژه در ارتقای جایگاه فرهنگی، اجتماعی و نیز در جلوگیری از خروج ارز در کشور را ایفا می کند.

دکتر میرزاده با ارائه تحلیل آماری فوق یادآور شد: در چنین شرایطی انتظار دانشگاه آزاد اسلامی از رسانه ها این است که در چارچوب سیاست های خود این فرآیند کیفی آموزشی را تبیین کنند.

## امروز وفردا فعالیت ورزشی در مدارس پایتخت ممنوع است

سنگینی آموزش و پرورش شهر تهران گفت: با توجه به تصمیم کمیته اضطرار آلودگی هوای شهر تهران، فعالیت های ورزشی در مدارس شهر تهران، امروز و فردا ممنوع است.

مسعود تقوی درروز در گفت و گو با فارس اظهار داشت: با توجه به تصمیم کمیته اضطرار آلودگی هوای شهر تهران، فعالیت های بدنی در مدارس شهر تهران طی دو روز سه شنبه و چهارشنبه انجام نمی شود.

وی با بیان اینکه زنگ ورزش تعطیل نیست، گفت: دانش آموزان در زنگ ورزش به جای فعالیت های بدنی، در کلاس درس حضور خواهند داشت و محتوای آموزشی به آنها ارائه می شود.

## پیش بینی کسری ۲۰۰ میلیاردی دانشگاه ها

معاون اداری مالی و مدیریت منابع وزارت علوم در نشست روسای دانشگاه ها و مراکز پژوهش و فناوری گفت: در نه ماهه سال جاری ۵۷۱ درصد اعتبار دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی تخصیص یافته است و امیدواریم با مساعدت دولت یازدهم همانند سال گذشته این میزان تا پایان سال به نزدیک ۱۰۰ درصد افزایش یابد.

به گزارش ایسنا، دکتر محمدحسین احمدیضمن قدرانی از مجموعه دولت یازدهم برای اهتمام ویژه به آموزش عالی علیرغم کاهش درآمدهای نفتی دولت گفت: بودجه موسسات پژوهشی نیز از ۲۵۰ میلیارد تومان در ۹۳ به ۳۳۲ میلیارد تومان در لایحه بودجه سال ۹۴ افزایش یافته است و بالغ بر ۲۸ درصد رشد داشته است.

وی اظهار داشت: متأسفانه اعتبار برخی از دانشگاه ها کمتر از ۲۰ درصد رشد داشته است و در مجموع یک کسری اعتباری معادل ۲۰۰ میلیارد تومان را نشان می دهد که نیازمند توجه دولت و مجلس محترم شورای اسلامی در قالب مصوب کردن بودجه است.

## سرپرست جدید دانشگاه پیام نور منصوب شد

رئیس جدید دانشگاه پیام نور منصوب شد.

به گزارش ایسنا، دکتر محمد فرهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در حکمی دکتر محمدعلی سر لک را به عنوان سرپرست دانشگاه پیام نور منصوب کرد.

دکتر فرهادی در نامه جداگانه ای از زحمات دکتر ابوالفضل فرهانی در دوران تصدی سرپرستی دانشگاه پیام نور قدرانی کرد.

## بزرگداشت حامیان نسخ خطی در کتابخانه ملی

وی درباره مجدوا اختتام مقام پژوهشگر مرحوم مشایخ فریدنی گفت: در زمانی مرحوم عطاردی گفتند که در حضور ملک فیصل پادشاه عربستان، شاعری ضرب المثل عربی ناقصی را بیان کرد که فقط مشایخ کامل آن را یادآوری کرد و ملک فیصل با تلخندی گفت: هنوز هم ما باید از ایرانی هازیان خود را یاد بگیریم.

پس از این سخنان مسجدجامعی که با استقبال گرم حضار روبرو شد، وی افزود: در کتابخانه های فهرست نشده کاظمین، عتبه حسینی، عتبه عباسی، کتابخانه خویی و حلی کشور عراق بخش عظیمی از فرهنگ و دستاوردهای تمدن ایران اسلامی وجود دارد که امیدوارم جناب وزیر محترم و دکتر ابهری و دیگران در ایجاد فهرست مشترک نسخ جهان اسلام، زمینه استفاده از این نسخ را ایجاد کنند.

دکتر رضاصالحی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در این همایش با بیان این مطلب که امروزه هوای شهر پاک تر شده است و نفس کشیدن در چنین هوایی راحت تر شده گفت: برگزاری همایش حامیان نسخ خطی یکی از حرکت هایی است که نتیجه آن فضیلت جویی و فضیلت خواهی است و او افزود: ای کاش اصحاب سیاسی و اقتصادی نیز سال و ماهی را براسای زیستند در محیط فرهنگی اختصاص می دادند و لذت زندگی در این حوزه را درک می کردند. امروزه فرهنگ میزبای همه فضیلت ها است و مسیر توسعه بدون فرهنگ میسر نمی شود.

او با بیان این مطلب که حامیان نسخ خطی را باید حامی هویت ایرانی و اسلامی بدانیم یادآور شد: هویت آن ارزش نیابندنی است که به وجود آن افتخار می کنیم و نبود آن موجب خسران می شود. زبان و خط فارسی، دانشمندان و فرهیختگانمان و حاملان فرهنگ ما بخشی از هویت ملی ما محسوب می شوند.

صلحی با اشاره به تلاش های مستمر دکتر نجف قلی حبیبی در برگزاری همایش حامیان خطی گفت: مهمانان این همایش از چهره های هویت ساز کشور به شمار می روند. همایش های چون علی یونس، احمد مسجد جامعی و نجفی ارزش نیابندنی است که به وجود آن افتخار می کنیم و نبود آن موجب خسران می شود. زبان و خط فارسی، دانشمندان و فرهیختگانمان و حاملان فرهنگ ما بخشی از هویت ملی ما محسوب می شوند.

دکتر نجف قلی حبیبی دبیر علمی همایش حامیان نسخه های خطی با پاسداشت مقام عزیزالله عطاردی گفت: کرامت انسانی ذاتی و انکسایی است و ما باید به شان انسان ها احترام بگذاریم و برگزاری همایش هایی از این دست فرصت مغتنمی است که از کرامت انسانی افراد قدرانی کنیم.

او با اشاره به اهمیت هویت ملی گفت: یکی از رمزهای وحدت جامعه بهاء دان به عناصر هویتی است و متن مرثانی و پژوهشگران در هویت سازی مهم بسزایی را ایفا می کنند. وقتی از سوسی پونسگو اعلام شد که سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ بزرگداشت هزاره تالیف قانون ابن سینا است ما ایرانی ها در گوشه گوشه جهان و جردمان شادمان شد.

در ادامه محمد احمدی ابهری ضمن قدرانی از تمام کسانی که در برگزاری این همایش سهیم بودند گفت: در زمانه پهلوی هموطنان ما به واسطه بی سبزی را ایفا می کردند و به سبب به مدینه آمد، وقف کتابخانه مدینه کرده است. امام جمعه بخارا که به خاطر بلشویک ها از شوروی به استانبول رفته و سپس به مدینه آمد، وقف کتابخانه مدینه کرده است. در این جریان چندین نسخه خطی کتابخانه مدینه را معرفی کرد. فضای کتابخانه عوضی شد و فهرستی که ما خواسته بودیم به ما داده شد.

دکتر مسجدجامعی در اهمیت آثار خطی گفت: فقط یکی از آن تذکرها، مربوط می شده بدعوت نامه های نادر شاه افشار برای علمای بلاد اسلامی نظیر حلب، کابل، لاهور، عثمانی، سی توانه متشکل از انجمن فهرست نگاران، مصححان، صرف گران و انجمن کتابداری و اطلاع رسانی باشد.

عالم همچون آیت الله عزیزالله عطاردی برگزار می شود که بیش از ۳۰ اثر در زمان ادبی و ۵۰ اثر از زبان فارسی از ایشان به جای مانده است.

برگزار کنندگان این همایش، امیدوارند در کنار تجلیل از بزرگان برای تربیت جوانان دانشجوین در جهت علمی تر کردن بهره برداری از نسخ خطی بیشتر و مناسب تر قدم بردارید که بیشتر ضروری است.

سپس، دکتر علی یونس، معاون رئیس جمهوری با ارزشمند خواندن میراث مکتوب گفت: میراث فرهنگی چون گویاست و حکایت گر است، ارزشمندتر است. کتاب خطی، یک شئی به تاریخی است که حتی اگر زبان آن متون را هم ندانیم، برای هر انسان و هر تمدنی مورد احترام است و به همه تمدن ها تعلق دارد.

وی در ادامه با نکوهش کسانی که به اعتقاد وی عمدتاً در



نقشه شایع این شخصیت فرهنگی را به طور خاص ارج می نهمم و امید می رم که تحقیقات و پشتوانه کارهای بعدی جوانان این مرزوبوم در سال های آینده باشند و امید می آید زنده اند که همبای تدبیر، مایه سرفرازی و سربلندی روزافزون و پیوسته ایران اسلامی باشد.

پیام آیت الله هاشمی رفسنجانی

یاسر هاشمی پیام آیت الله هاشمی رفسنجانی به چهاردهمین آئین بزرگداشت حامیان نسخ خطی به هایشان را به شرح زیر قرائت کرد:

بسم الله الرحمن الرحیم

نسخه های خطی شناسنامه ای مستند از فرهنگ و تمدن ملت ها و نشاندهنده جایگاه مردم آن سرزمین در علم و دانش است و خدا را شکر که ایران عزیز از این سرمایه عظیم در هر دو عملی و اسلامی برخوردار است و امروز به غیر از کتابخانه های که نسخ خطی دارند، بسیاری از خانه های مردم، محل نگهداری نسخه های خطی که لسل اندر نسل به آنها رسیده و از این سرمایه ارزشمند استفاده در حد نگهداری و افتخار می کنند و ای کاش نهضتی در کشور به راه یابند تا هر ایرانی هر نسخه خطی را که در اختیار دارد به هر مزی که کتابخانه ای تحویل دهد تا تمرکز این آثار گرانسنگ، تبدیل به سرمایه ای فرهنگی و اجتماعی عظیم در کشور شود.

افسوس دیگر هر ایرانی دلسوز فرهنگی در خصوص نسخه های خطی، فروش آنها به دلایل خارج از کشور است و در شگفتی که چگونه هر افرادی سودجو و ضد فرهنگ، راضی می شود به ماهیت فرهنگی و ادبی کشور خود را بفروشد در حالی که می داند از شدت ارزش، بی قیمت هستند.

اینجانب در یک بررسی برخی از نسخ ارزشمند خطی مرا و از یادهای ارزشمند باقیم و خدا را شکر که در زمان مسئولیتی، سر سامان بیشتر و مناسبتی تر گرفت و بعداً چاپ و انتشار نسخ خطی مجلس شورای اسلامی، به هیوای برای گسترش فرهنگ و ادب کشور تبدیل شد و تلاش برای حفظ و ترمیم اسناد کشور هم انجام شد.

همایش بزرگداشت حامیان نسخ خطی، حرکتی ارزشمند در جهت نهادهای کردن احترام به کسانی است که عمر شریف خویش را در جهت جست و گسترش فرهنگ ایرانی، شعی و اسلامی صرف کرده اند و اسامی به یادشخصیتی

سربوس فرهنگی، هنری: مراسم بزرگداشت حامیان نسخ خطی با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اندیشمندان، صاحب نظران و فعالان جمیع آوری و حفظ نسخ خطی دیروز در تالار همایش های کتابخانه ملی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مسا، علی چینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: کتاب و قلم نگاهبان و نگاهدار علم و حکمت و فرانگی و روشنی بخشی محفل اندیشوران و فرانگان است. لذا هر آن چه که در فرآیند این نگاهبانی و نگهداری قرار دارد، به همان میزان از ارزش و شایسته برخوردار است.

نسخه های خطی به عنوان یکی از کهن ترین ابزار انتقال دانش و حکمت و فرهنگ، جایگاهی بی همتا در همه فرهنگ های بشری دارند، دستنوشته هایی که ما را با چستی و چگونگی علم و فرهنگ گذشته انسانی ساز و هویت فرهنگی ریشه دار و افتخار آفرین پیشینیان را می آورند.

این گونه است که باید نسخه های خطی را هویت نامه فرهنگ و تمدن یک ملت به شمار آورد. از همین منظر، نسخه های خطی اسلامی و ایرانی، تارنامه فکری و فرهنگی مسلمانان به و ویژه ایرانیان مسلمان است. از همین روی، شناخت و بهره وری از سنت اصیل و دیرپای اسلامی و ایرانی، جز با شناسایی دقیق و درست نسخه های خطی میسر نیست.

پیادست که حفظ و نگاهداری و مرمت این اشیاء نفیس فرهنگی و تمدنی، گام نخست برای بهره مندی از این ذخایر ارزشمند است. این گام نخست، پایه و پشتوانه ای است که بتوان کارهای بعدی را بهتر، کارآمدتر، صحیح تر و سریع تر برداشت.

این فرایند در مراحل بعدی با فعالیت های دیگری پیگیری می شود، از جمله: تصویربرداری دیجیتال از نسخه ها و اسناد و امکان دسترسی پژوهشگران بدان ها، معرفی و فهرست نگاری منابع مکتوب و بالاخره مقابله و تصحیح و تحقیق و روشمند و عالمانه آن ها.

این گام ها که سیری کردن هر کدام وابسته به کوشش های دانشمندان ایرانی کاران و زبان مند صرف نامه ها از عمر کرانه های هم را با تیع و تعلیم ایشان است هر یک بهای نرزدان ترقی و تعالی فرهنگی به شمار می آید تا آثار و مآثر پیشینیان دانشور و متفکر خود را بهتر بشناسیم.

پس از شناسخت صحیح، اصیل و آگاهانه است که می توان به بازآفرینی و تحلیل در دست گذشته پیشین، محاسن آن را تقویت کنیم و همچون چراغی آفرانه آید نگان کرد. در همین، از ضعف ها، کاستی ها درس بیاموزیم و در جریان ترمیم آنها بکوشیم.

این شناخت و تحلیل سنت ها و میراث گذشته، نمودار ساختن برجستگی ها و رفع کاستی ها، از سویی گذشته پرافتخار را در یادها زنده می کند و نیرویی دوجندان برای پیوندن مسیر دشوار و طولانی آینده فراهم می آورد و از سویی دیگر این نکته را به ذهن و ضمیر ما القاء می کند که همواره باید رویه آینده داشت و با بهره مندی از گذشته، مسیر روشن تری برای آینه رقم زد تا به این لحظه توقف در گذشته به منزله سرائی عجب ماندن از پیشرفت آینده است.

حیات هر ملتی با پاسداشت گذشته پرافتخار خویش است و استمرار و پاسداشت آن گذشته پرافتخار جز با ادامه مسیر و گسترش مرزهای دانایی و علم میسر نیست.

اینجاست که می یابد تأکید کرد تحقیق در نسخه های خطی گامی بنیادین برای حمید احمدی به مرکز تحقیقات چشم، عباسی زاده از دانشکده پرستاری و مامائی، جلال پور احمد، جکتاجی از دانشکده داروسازی، محمد حبیبی از دانشکده پزشکی، شاهین یزدانی مرکز تحقیقات چشم، مژگان رضایی کوی از مرکز تحقیقات چشم، شاهین شادان از دانشکده پزشکی، فریبا خدایی از مرکز تحقیقات علوم اعصاب، امیر محمد متروضیان از انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، محمومه رجبی بدل از دانشکده پزشکی، محمد امین پور حسین لیلی از مرکز تحقیقات گوش و بینی و گلو، عبدالرضا محمدی از انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، سوده غفوری فرد از دانشکده پزشکی، محمدهادی رادفر از مرکز تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی، مهندس جان ملکی از مرکز تحقیقات نان تکنولوژی پزشکی و مهندسی بافت و دکتر احسان ناظم الحسینی مجرد از مرکز تحقیقات گوش و بینی کبد از پژوهشگران را بر گردیده این دوره از جشنواره بودند.

سربوس فرهنگی ـ هنری: چهارمین جشنواره سراسری شعر انقلاب ۱۴ و ۱۵ دی در زاهدان برگزار می شود.

به گزارش خبرنگار نما، در نشست خبری که به همین منظور دیروز در حوزه هنری برگزار شده بود، علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری گفت: این جشنواره که تاکنون با نظم خاصی برگزار شده است، امسال در استان سیستان و بلوچستان برگزار می شود و بنده همواره تلاشم این بود که جشنواره شعر انقلاب در استانها و به خصوص در استانهای محروم برگزار شود تا به این وسیله چهره های جوان کشور در زمینه شعر شناسایی شوند.

او ادامه داد: منطقه سیستان و بلوچستان اگرچه به بیشترین محرومیت ها دارد اما خیلین کسانی که در زمینه شعر فارسی کار کرده اند و همچنین برخی عرفان کشور از این سیرزمین سرر برآورده اند، شاعرانی چون فرخی و حسن سبزی و وزیر بزرگانی مانند رستم و یعقوب لیث صفاری.

قزوه با بیان اینکه سیرزمین سیستان و بلوچستان همیشه توانسته است در سایه وحدت شکوفا باشد، افزود: امروز دشمنان تلاش می کنند بین مردم سیستانی بلوچ این سیرزمین تفرقه ایجاد کنند و شعر به عنوان یک محمل دوستی و آشتی می تواند تمامی قومیت ها را باهم پیوند دهد و از این رو دوره چهارم جشنواره شعر انقلاب در این سیرزمین که همیشه پهلو انان عرصه اسطوره دلیری، فرهنگ و ادب از آن بر آمده است، برگزار می کنیم.

قزوه در بخش دیگری از این نشست، اظهار کرد: هدف ما از برگزاری این جشنواره از تقای سطح ادبی استانهاست و گامی به سوی شناسایی برخی چهره های گام در این استانها تا بتوانیم آثار آنها را به عنوان آثار

## تکذیب ادعای جدید دانشگاه ایرانیان

## ازسوی وزارت علوم

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب کرد.

دکتر حسینی مدیرکل دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم در مورد این ادعا به ایسنا گفت: وزارت علوم نمی تواند چنین اقدامی را انجام دهد و اگر این اتفاق رخ داده از طرف وزارت علوم نبوده است.

وی با تأکید بر اینکه وزارت علوم برای برخورد با این دانشگاه مسیر قانونی خود را انجام می دهد، افزود: هنوز مساله از طرف وزارت علوم به مراجع قانونی ابلاغ نشده است.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

## دکتر ملک زاده: ۶۰ درصد مقالات علمی ما به نتیجه نمی رسند

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت گفت: اگر ما بتوانیم در کشور مقالات را به سنوآوری تبدیل کنیم، مشکلات را به طور فزاینده ای بسیاری از مشکلات برطرف می شود.

به گزارش مهر، رضا ملک زاده در بازدیددهمین جشنواره اوریچان بیرونی گفت: ما باید تلاش کنیم کیفیت مقالات را در کشور افزایش دهیم. البته تحقیقات در دهه های گذشته رشد عظیمی داشته است.

وی اعلام کرد: در ۲۵ سال گذشته بیش از ۲۵ میلیون سند علمی تولید کرده ایم و اگر بتوانیم مقالات را به سنوآوری تبدیل کنیم دیگر مشکلی نخواهیم داشت. ملک زاده یادآور شد: ۳۰ درصد تولید علم در خاورمیانه و یک و نیم درصد تولید علم در دنیا را ایران به خود اختصاص داده که این عدد قابل قبولی است و دانشگاه شهید بهشتی توانسته رتبه ۲ را به خود اختصاص دهد.

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت افزود: چالش های تحقیقاتی زیادی در کشور وجود دارد که ممکن است این چالش ها بین المللی باشند و البته مشکلاتی در کشور وجود دارد که در کشورهای دیگر وجود ندارد. وی با اشاره به اینکه ما باید تحقیقات مفیدی را در کشور داشته باشیم، اظهار داشت: ۶۰ درصد مقالات ما به نتیجه نمی رسند و لی طبیعت علم است. شاید در آینده نمره منفی به تعداد مقالات تعلق گیرد.

ملک زاده ادامه داد: ۲۰ کشور صنعتی بزرگ دنیا به طور متوسط ۲ درصد بودجه به تحقیقات اختصاص پیدا می کند و در ایران میزان بودجه تحقیقات ۰.۳ درصد است. ۳۰ سال گذشته نرخ ناخانی داشته و در این خصوص سرمایه گذاری هایی صورت گرفته است.

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت تصریح کرد: از ۶۰ هزار مقاله ISI، پنجاه و هشت درصد علم غیر مفید بوده است.

علی اصغر پیوندی رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم به این مراسم گفت: برای استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت ها و همچنین هم افزایی قابلیت های فرهنگ همکاری های پژوهشی ارتقا پیدا کنند.

وی با اشاره به اینکه علوم پزشکی را در نظر گرفتیم پیشرو و در توسعه تحقیقات و فناوری در کشور بوده است خاطر نشان کرد: در این میان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به همت استادان با تجربه سهم قابل توجه و نقشی ممتاز و تأثیرگذار داشته است.

فریدون عزیزی رئیس پژوهشکده غدد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم به این مراسم با بیان اینکه نباید فقط به دنبال تولید علم باشیم، گفت: مقالات علمی باید در کشور طوری تولید شوند که نتیجه آنها را در سلامت مردم استفاده کنیم.

به گزارش مهر، فریدون عزیزی در بازدیددهمین جشنواره پژوهشی اوریچان بیرونی گفت: باید توانمندسازی اعضای هیات علمی و نهادینه کردن پژوهش و آموزش را سرلوحه کار خود قرار دهیم.

رئیس پژوهشکده غدد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی افزود: ما در تولید علم از رتبه پنجم به ۱۵ رسیدیم که این موضوع نشانگر توقف و رشد علمی است و این توقف قابل تصور بوده و جای نگرانی دارد.

وی اظهار داشت: ما باید فقط به دنبال تولید علم باشیم. در صورتی تولید علم ما مهم است که پیامد و اثر بخشی آن را ببینیم. تولید علم ما در کشور بیشتر بر حسب تولید مقالات است و در صورتی این مقالات مهم به شمار می روند که بتوانیم آنها را در سلامت مردم به کار بگیریم.

## ۱۸ اسامی پژوهشگر برتر

حسین بهنیا از پژوهشکده علوم دندانپزشکی، دکتر محسن نغر از مرکز تحقیقات کلیه و مجاری ادراری، حمید احمدی به مرکز تحقیقات چشم، عباسی زاده از دانشکده پرستاری و مامائی، جلال پور احمد، جکتاجی از دانشکده داروسازی، محمد حبیبی از دانشکده پزشکی، شاهین یزدانی مرکز تحقیقات چشم، مژگان رضایی کوی از مرکز تحقیقات چشم، شاهین شادان از دانشکده پزشکی، فریبا خدایی از مرکز تحقیقات علوم اعصاب، امیر محمد متروضیان از انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، محمومه رجبی بدل از دانشکده پزشکی، محمد امین پور حسین لیلی از مرکز تحقیقات گوش و بینی و گلو، عبدالرضا محمدی از انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور، سوده غفوری فرد از دانشکده پزشکی، محمدهادی رادفر از مرکز تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی، مهندس جان ملکی از مرکز تحقیقات نان تکنولوژی پزشکی و مهندسی بافت و دکتر احسان ناظم الحسینی مجرد از مرکز تحقیقات گوش و بینی کبد از پژوهشگران را بر گردیده این دوره از جشنواره بودند.

## برگزاری چهارمین جشنواره سراسری شعر انقلاب در زاهدان

سربوس فرهنگی ـ هنری: چهارمین جشنواره سراسری شعر انقلاب ۱۴ و ۱۵ دی در زاهدان برگزار می شود.

به گزارش خبرنگار نما، در نشست خبری که به همین منظور دیروز در حوزه هنری برگزار شده بود، علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری گفت: این جشنواره که تاکنون با نظم خاصی برگزار شده است، امسال در استان سیستان و بلوچستان برگزار می شود و بنده همواره تلاشم این بود که جشنواره شعر انقلاب در استانها و به خصوص در استانهای محروم برگزار شود تا به این وسیله چهره های جوان کشور در زمینه شعر شناسایی شوند.

او ادامه داد: منطقه سیستان و بلوچستان اگرچه به بیشترین محرومیت ها دارد اما خیلین کسانی که در زمینه شعر فارسی کار کرده اند و همچنین برخی عرفان کشور از این سیرزمین سرر برآورده اند، شاعرانی چون فرخی و حسن سبزی و وزیر بزرگانی مانند رستم و یعقوب لیث صفاری.

قزوه با بیان اینکه سیرزمین سیستان و بلوچستان همیشه توانسته است در سایه وحدت شکوفا باشد، افزود: امروز دشمنان تلاش می کنند بین مردم سیستانی بلوچ این سیرزمین تفرقه ایجاد کنند و شعر به عنوان یک محمل دوستی و آشتی می تواند تمامی قومیت ها را باهم پیوند دهد و از این رو دوره چهارم جشنواره شعر انقلاب در این سیرزمین که همیشه پهلو انان عرصه اسطوره دلیری، فرهنگ و ادب از آن بر آمده است، برگزار می کنیم.

قزوه در بخش دیگری از این نشست، اظهار کرد: هدف ما از برگزاری این جشنواره از تقای سطح ادبی استانهاست و گامی به سوی شناسایی برخی چهره های گام در این استانها تا بتوانیم آثار آنها را به عنوان آثار

## تکذیب ادعای جدید دانشگاه ایرانیان

## ازسوی وزارت علوم

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب کرد.

دکتر حسینی مدیرکل دفتر گسترش آموزش عالی وزارت علوم در مورد این ادعا به ایسنا گفت: وزارت علوم نمی تواند چنین اقدامی را انجام دهد و اگر این اتفاق رخ داده از طرف وزارت علوم نبوده است.

وی با تأکید بر اینکه وزارت علوم برای برخورد با این دانشگاه مسیر قانونی خود را انجام می دهد، افزود: هنوز مساله از طرف وزارت علوم به مراجع قانونی ابلاغ نشده است.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

وزارت علوم خیر غیرفعال کردن آدرس اینترنتی سایت ایرانیان توسط این وزارتخانه را تکذیب می کند.

پارسیان بانک ایرانیان

مرکز ارتباط با مشتریان: ۸۱۱۵۵۰۰۰

www.parsian-bank.ir

پارسیان بانک ایرانیان

مرکز ارتباط با مشتریان: ۸۱۱۵۵۰۰۰

www.parsian-bank.ir

پارسیان بانک ایرانیان

مرکز ارتباط با مشتریان: ۸۱۱۵۵۰۰۰

www.parsian-bank.ir







کنار همهه جمعیت، زنی با کمربویی را به چادر برسانده و منتظر فرصتی است تا خودش موهای بور، چشمان ریز روشن و ابروان پهن و سیاه چهرهای که مشابهش را در زنان ایلامی زیاد می شود دید.
چلو تر از او دهها مرد و زن انگشت‌های سیاه شان را به سمت میز دراز کرده‌اند تا سوزن دستگاہ به سمشان بپیابد و به سیاه و خونی‌شان را بگیرد.
کارشناس هلال احمر تأکید می کند که باید فرصت بدهند تا کیت و سوزن دستگاه قند خون را عوض کنند، به سادگی و آهسته می گوید: «کیت‌ها که تمام می‌شود، جمعیت به سراغ چادرهای بعدی می‌روند و زن فرصت پیدای کند پیش بیاید. می‌ساده‌گی و آهسته می‌گوید: «بخشید، سوالی داشتم. دستم بریده بود، یک قطره خون چکید روی زمین، مورچه‌ها دورش جمع شدند. این یعنی من قند دارم».

کارشناسی که در چادر نشسته است،

لبند می‌زند و می‌گوید: «نه خواهرم، این بیزی را مشخص نمی‌کند. تا حالا آزمایش‌ها

سوزن داده‌ای؟» جواب زن منفی است.

کارشناس هلال احمر پرگه‌ای را پر می‌کند و می‌گوید: «برایت یک آزمایش خون می‌نویسم تا خیالت راحت شود».

چشمان عسلی زن می‌درخشد و شروع

می‌کند به دعا کردن. برگه را می‌گیرد و لایه‌لای

جمعیت گم می‌شود. کارشناسی که در چادر

هلال‌احمر نشسته است می‌گوید: «اینجا خیلی‌ها به پزشک دسترسی ندارند. خیلی‌ها

هم از اطلاعات کافی درباره بیماری‌ها و علایم‌شان بی‌بهره‌اند. در نتیجه بیماری‌هایشان

پیشرفت می‌کند و وقتی سراغ دکتر می‌روند که متأسفانه دیگر کار از کار گذشته.» این

شاید مهم‌ترین دلیلی باشد که جمعیت هلال احمر ایران از نیمه دوم امسال طرح «سفرنامه

سلامت و امید» را کلید زد. طرحی که تا پایان

در پنجمین سفر خود به استان ایلام رسیده و توانسته است در مجموع بیش از ۳۵ هزار نفر

از سفرهای قبلی خود به ۱۷ شهرستان، زیر پوشش خدمات اولیه درمانی قرار دهد.

خود رافیتی خادم‌های مبتلا به سرطان

فرحناز رافع، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر درباره دلیل برگزاری طرح «سفرنامه سلامت و امید» به گزارشگر روزنامه

اطلاعات می‌گوید: به سیاست‌های کلی نظام سلامت که از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده است، بندی وجود دارد که به موضوع پیشگیری و آموزش می‌پردازد. ما هم «سفرنامه

سلامت و امید» را با رویکرد به پیشگیری بیماری‌ها و آموزش بیماران طراحی کردیم تا مردم از به مشکلاتی بهداشتی که پیشکی که هر

استان یا آن درگیر است، بی‌دانش، در این میان، سرطان‌های شایع در خانم‌ها یکی از مهم‌ترین

اهداف ما است که با آموزش‌های خودرأقی، سعی در تقویت اقدامات پیشگیرانه در زمینه

مشکلاتشان را داریم ویرایش باوریم که اگر سطح آگاهی و سواد سلامت زنان را افزایش

دهیم، سلامت جامعه را تضمین دهیم.

استان ایلام زیرپوشش طرح

جمعیت هلال احمر برای اجرای طرح «سفرنامه سلامت و امید» را داوطلبان، پزشکان و پیراپزشکان عضو داوطلب این جمعیت کمک می‌گیرد تا مدت ۶ ماه به ۱۲ استان

کشور سر بزنند و در هر استان، ۴ شهرستان را زیر پوشش خدمات بهداشتی و آموزشی

### فرحناز رافع-رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر: بر این باوریم که اگر سطح آگاهی و سواد سلامت زنان را افزایش دهیم، سلامت جامعه را تضمین کرده‌ایم

### بر اساس طرح «سفرنامه سلامت و امید»، پزشکان و پیراپزشکان عضو داوطلب جمعیت هلال احمر در مدت ۶ ماه به ۱۲ استان کشور سفر می‌کنند و به آموزش و مداوای بیماران در مناطق محروم می‌پردازند

### کارشناس مشاوره‌های روان‌شناختی: استقبال اهالی استان ایلام از خدمات ما بیش از انتظار بوده است

### قرار دهند.

پیش‌بینی اولیه این طرح، حضور ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی شهرهای کوچک و ۵ هزار نفر از اهالی شهرهای بزرگ در این برنامه‌ها

بوده و در ماه‌های گذشته ساکنان استان‌های اصفهان، گلستان، لرستان، کرمانشاه و ایلام

از خدمات دارویی، درمانی و مشاوره‌ای این طرح بهره‌مند شده‌اند. مردم استان‌های فارس، خوزستان، کرمان، خراسان‌جنوبی، سیستان و بلوچستان، مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد هم

در فهرست سفرهای بعدی هستند که تا پایان سال در استان‌هایشان اجرا خواهد شد.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر می‌گوید: براساس مواد ۲ و ۳ اساسنامه جمعیت هلال‌احمر، ما ملزم به فعالیت در حوزه پیشگیری هستیم و علاوه بر

آن طبق استراتژی بیست بیست هلال احمر و نظام تحول سلامت، در این حوزه فعالیت می‌کنیم.

فعالیتی‌هایی که خانم رافع از آنها می‌گوید، بر ۷ محور اصلی استوار است: بی‌طرفی (Neutrality)، بی‌غرضی (Impartiality)،

استقلال (Independence)، خدمت داوطلبانه (Voluntary Services)، بشردوستی (Humanity)، یگانگی (Unity)،

و جهانشمولی (Universality). این‌ها محورهای اساسی فعالیت‌های هلال احمر و صلیب سرخ جهانی است و در هر گوشه‌ای از دنیا باید رعایت شود.

توقف در ایستگاه پنجم

ایلام، پنجمین استانی است که سفرنامه سلامت و امید به آنجا رسیده. منطقه‌ای که محروم‌ترین استان کشور به شمار می‌رود و در

نظر برخورداری از خدمات بهداشتی در ده هجدهم استان‌های ایران قرار دارد. با این حال،

۲۲ تا ۲۵ آذرماه ۱۳۹۳ برای مردم این استان فرصتی بود تا در ۴ شهرستان ایلام، مهران،

دهلران و دره شهر از خدمات بهداشتی، درمانی و روانشناختی پزشکان متخصص و عمومی که

پرستاران بهره‌مند شوند. مراجعه‌کنندگان که



### فرحناز رافع-رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر: بر این باوریم که اگر سطح آگاهی و سواد سلامت زنان را افزایش دهیم، سلامت جامعه را تضمین کرده‌ایم

### بر اساس طرح «سفرنامه سلامت و امید»، پزشکان و پیراپزشکان عضو داوطلب جمعیت هلال احمر در مدت ۶ ماه به ۱۲ استان کشور سفر می‌کنند و به آموزش و مداوای بیماران در مناطق محروم می‌پردازند

### کارشناس مشاوره‌های روان‌شناختی: استقبال اهالی استان ایلام از خدمات ما بیش از انتظار بوده است

### قرار دهند.

پیش‌بینی اولیه این طرح، حضور ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی شهرهای کوچک و ۵ هزار نفر از اهالی شهرهای بزرگ در این برنامه‌ها

بوده و در ماه‌های گذشته ساکنان استان‌های اصفهان، گلستان، لرستان، کرمانشاه و ایلام

از خدمات دارویی، درمانی و مشاوره‌ای این طرح بهره‌مند شده‌اند. مردم استان‌های فارس، خوزستان، کرمان، خراسان‌جنوبی، سیستان و بلوچستان، مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد هم

در فهرست سفرهای بعدی هستند که تا پایان سال در استان‌هایشان اجرا خواهد شد.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر می‌گوید: براساس مواد ۲ و ۳ اساسنامه جمعیت هلال‌احمر، ما ملزم به فعالیت در حوزه پیشگیری هستیم و علاوه بر

آن طبق استراتژی بیست بیست هلال احمر و نظام تحول سلامت، در این حوزه فعالیت می‌کنیم.

فعالیتی‌هایی که خانم رافع از آنها می‌گوید، بر ۷ محور اصلی استوار است: بی‌طرفی (Neutrality)، بی‌غرضی (Impartiality)،

استقلال (Independence)، خدمت داوطلبانه (Voluntary Services)، بشردوستی (Humanity)، یگانگی (Unity)،

و جهانشمولی (Universality). این‌ها محورهای اساسی فعالیت‌های هلال احمر و صلیب سرخ جهانی است و در هر گوشه‌ای از دنیا باید رعایت شود.

### فرحناز رافع-رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر: بر این باوریم که اگر سطح آگاهی و سواد سلامت زنان را افزایش دهیم، سلامت جامعه را تضمین کرده‌ایم

### بر اساس طرح «سفرنامه سلامت و امید»، پزشکان و پیراپزشکان عضو داوطلب جمعیت هلال احمر در مدت ۶ ماه به ۱۲ استان کشور سفر می‌کنند و به آموزش و مداوای بیماران در مناطق محروم می‌پردازند

### کارشناس مشاوره‌های روان‌شناختی: استقبال اهالی استان ایلام از خدمات ما بیش از انتظار بوده است

### قرار دهند.

پیش‌بینی اولیه این طرح، حضور ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از اهالی شهرهای کوچک و ۵ هزار نفر از اهالی شهرهای بزرگ در این برنامه‌ها

بوده و در ماه‌های گذشته ساکنان استان‌های اصفهان، گلستان، لرستان، کرمانشاه و ایلام

از خدمات دارویی، درمانی و مشاوره‌ای این طرح بهره‌مند شده‌اند. مردم استان‌های فارس، خوزستان، کرمان، خراسان‌جنوبی، سیستان و بلوچستان، مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد هم

در فهرست سفرهای بعدی هستند که تا پایان سال در استان‌هایشان اجرا خواهد شد.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر می‌گوید: براساس مواد ۲ و ۳ اساسنامه جمعیت هلال‌احمر، ما ملزم به فعالیت در حوزه پیشگیری هستیم و علاوه بر

آن طبق استراتژی بیست بیست هلال احمر و نظام تحول سلامت، در این حوزه فعالیت می‌کنیم.

فعالیتی‌هایی که خانم رافع از آنها می‌گوید، بر ۷ محور اصلی استوار است: بی‌طرفی (Neutrality)، بی‌غرضی (Impartiality)،

استقلال (Independence)، خدمت داوطلبانه (Voluntary Services)، بشردوستی (Humanity)، یگانگی (Unity)،

و جهانشمولی (Universality). این‌ها محورهای اساسی فعالیت‌های هلال احمر و صلیب سرخ جهانی است و در هر گوشه‌ای از دنیا باید رعایت شود.

### نگاهی به فعالیت‌های داوطلبان جمعیت هلال احمر در مناطق محروم ایران

# مسفر راهیان سلامت و امید

که متأسفانه آمار خودکشی در آن بالااست، کما این که بیشترین خودسوزی‌های زنان در کشور، در این استان صورت می‌گیرد. ماسعی داریم در لرستان بر بیماری‌های مشترک انسان و حیوان چادر مشاوره، با دادن مشاوره‌های حضوری، توزیع بروشورهای آموزشی و یا ارجاع برخی به سرطانه‌های زن و خدمات مشاوره‌ای و روانشناختی، تمرکز گذاشت.

و ادامه می‌دهد: ارائه خدمات سلامت

در این برنامه، محدود به بیماری‌های جسمی نبوده، بلکه تمامی خدمات بهداشتی و درمانی، روح و روان، سلامت اجتماعی و بهداشت

پروزی را هم شامل می‌شده است.

افزایش آستانه تحمل افراد

دهدلران، چادر مشاوره‌های روانشناختی همپای چادر پزشک عمومی، شلوغ‌ترین و پرمراجعه‌ترین چادر توکل سلامت است.

مشاوران و روانشانسان داوطلب در این چادرها نشسته‌اند تا مراجعان‌شان را راهنمایی کنند.

یکی از کارشناسان این بخش می‌گوید:

استقبال اهالی از خدمات روان‌شناسی خیلی بیشتر از انتظار بوده است، آنقدر که نمی‌توانیم

برای مراجعین در چند دهه اخیر چنین همایش در شهر ما برپا نشده بود که مسئولان

کنار مردم جمع شوند و یک روز را به آنان اختصاص دهند.

در چنین فضایی بسیاری از مردان هم نیاز به مداخلات روانشناختی و آموزش‌های

خودرأقی پیدا می‌کنند.

و تاب‌آوری را قدرت سازگار شدن با شرایط تعریف می‌کند و می‌گوید: باید با

آموزش‌های مدون، ظرفیت‌های روحی،

### بخشی از سفرنامه سلامت و امید به دریافت کمک‌های مردمی و نیکوکاران اختصاص یافته‌است و مسئولان هم‌مینه را برای این مشارکت‌ها، مساعدی می‌سازند

### در طرح «باران مهر بانی»، نیکوکاران هم‌زنه‌های درمانی، تحصیلی و تغذیه‌ای افراد نیازمند را تقبل می‌کنند و یابه‌اهداد و وقف‌زمین برای ساخت خانه‌های داوطلبان طرح سلامت و امید می‌پردازند

### علی‌محمدهاشم‌زاده‌مدیر اجرایی طرح سفرنامه امید و سلامت: تاکنون بیش از ۳۵ هزار نفر در ۵ استان کشور از خدمات بهداشتی، درمانی و مشاوره‌ای طرح، بهره‌مندشده‌اند

### بوده است. فرماندار این شهرستان علاوه بر اهدای زمین، اعتباری ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومانی هم برای ساخت پایگاه هلال‌احمر، اختصاص داده است.

در شهرستان مهران، یک‌سیر صالح آبادی ۳۰۰ متر مربع زمین برای احداث خانه داوطلبان جمعیت هلال‌احمر اهدا کرده

و خیری دیگر هزینه ۵۰۰ بسته بهداشتی برای نیازمندان را که هر کدام حدود ۳۰۰ هزار تومان

قیمت دارد، تقبل کرده و یکی دیگر از خیرین هزینه ۳۰۰ سفر عمره مقدسه را به عنوان وقف، در اختیار جمعیت هلال احمر قرار داده است.

نیکوکاران شهرستان دره شهر هم یک قطعه زمین در محور دره‌شهر به بلدختر برای احداث پایگاه امداد و نجات جاده‌ای به هلال احمر اهدا کرده‌اند، یکی از اعضای شورای

اسلامی دره‌شهر به نمایندگی از سوی شورای شهر و شهرداری ۲۰۰ متر مربع زمین برای ساخت خانه سلامت به این جمعیت بخشیده

و یکی دیگر از خیران این شهرستان، پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان برای تهیه و ساخت عینک

برای افراد نیازمند را تقبل کرده است.

خانم رافع می‌گوید: بسترسازی مناسب برای فرهنگ وقف و نیکوکاری و معرفی

خیرین و داوطلبان نمونه هلال‌احمر کشور یکی از اهداف سفرنامه سلامت و امید است.

به این ترتیب نیکوکاری و حمایت از دیگران تبدیل به یک فرهنگ عمومی می‌شود و مردم

در می‌یابند که برای دسترسی از نیازمندان، لازم نیست فقط در بحران‌ها به امداد و نجات

بپردازند، بلکه در سایر موارد هم می‌توان کارهای ماندگار و موثری انجام داد.

و این نیکوکاری را راهمی برای افزایش احساس مسئولیت اجتماعی در افراد می‌داند

و می‌گوید: در طرح باران مهربانی، نیکوکاران هزینه‌های درمانی، تحصیلی و تغذیه‌ای افراد

نیازمند را تقبل می‌کنند یا با اهدا و وقف زمین برای احداث خانه‌های داوطلب سلامت و

امید، تقبل هزینه‌های ساخت این خانه‌ها و به هر شیوه دیگری که خودشان مایل باشند،

نقشی را در ارتقای استان‌شان ایفا می‌کنند.

به گفته رافع، در میان آسانتی که تا به حال وجود داشته، سفرنامه سلامت و امید بوده‌اند،

استان کرمانشاه بیشترین حمایت خیران را داشته است. کمک ۵۰ میلیون ریالی نماینده اتاق اصناف کرمانشاه برای تهیه و توزیع یک هزار سبد غذایی در میان نیازمندان شهرستان «صحنه» و تحت درسمان رایگان دادن ۴۰۰ نیازمند توسط پزشک خیر، تأمین هزینه درمان ۴ مادر بیمار نیازمند سرطانی، اهدای یک هکتار زمین و تقبل هزینه ساخت پایگاه امداد و نجات جاده‌ای، اهدای یک هکتار زمین برای احداث اردوگاه چند منظوره هلال احمر، اهدای ۲ هزار و ۸۰۰ مترمربع زمین برای احداث پایگاه‌های سلامت در مناطق مختلف سفر و کلبایی و نیز تعهد شهردار و شورای شهر این شهرستان برای اهدای یک هزار متر زمین برای احداث پایگاه امداد جاده‌ای روستایی و ۴۰۰ مترمربع زمین دیگر برای احداث خانه سلامت و امید روستای قلعه‌شیان و قول مساعد فرماندار اسلام‌آباد برای تجهیز تمامی پایگاه‌های جمعیت در سطح شهرستان، بخشی از این حمایت‌های نیکوکارانه در استان کرمانشاه بوده است.

### خدمات رسانی به ۳۵ هزار هوطن

سفرنامه سلامت و امید در مرحله اول خود سفر به استان‌های گلستان، اصفهان،

لرستان و کرمانشاه را در برنامه داشت که به گفته علی محمدهاشم زاده -مدیر اجرایی

سفرنامه سلامت و امید، در این سفرها بیش از ۳۵ هزار نفر از ۱۷ شهرستان حضور پیدا کردند

و از خدمات بهداشتی، درمانی و مشاوره‌ای برخوردار شدند. همچنین از محل اعتبارات

درمانی شماری از دانش‌آموزان، دانشجویان و بیماران نیازمند هم تأمین شده است.

وی می‌افزاید: تا قبل از سفر پنجم که به ایلام انجام شد، شهرهای بلدختر، نورآباد،

کوهدشت، الیگودرز، جوانرود، صحنه، سفر و کلبایی، اسلام‌آباد غرب، اصفهان، مبارک، چادگان، خمین‌شهر، بندر گز، گمشان، گرگان و گنبدکاووس میزان سفرنامه سلامت

و امید بودند در تمامی این شهرها سفرنامه سلامت و امید با استقبال پرشور مردم و حضور

همه جانبه آنان مواجه شد.

آمارهای منتشرشده از سوی جمعیت هلال احمر از مراجعه اهالی این ۱۶ شهر به

چادرهای هلال احمر، نشان می‌دهد که تقریباً هر چادر به‌طور میانگین هزار نفر مراجعه‌کننده داشته است. مراجعه‌کنانگی که تعدادشان به

طور تقریبی به ۷ هزار نفر به ۸۰ چادر مستقر در استان ایلام می‌رسید.

هاشم زاده همچنین می‌گوید: در چادرهای برپا شده، متخصصان قلب و عروق، مغز و اعصاب، جراح پلاستیک، ارتوپد، دندانپزشک، پزشک عمومی، ماما، روانشناس

و مشاور حضور داشتند. همچنین در بیشتر استان‌ها افرادی مخصوص پیشگیری از اعتیاد و ایدز، چادر مشاوره‌های مخصوص

وقف، چادرهای مخصوص پاسخگویی به سوالات شرعی، تست قند خون و فشار خون

هم دایر بود و او ادامه می‌دهد: در سفرهایی که تا به حال به ۵ استان داشته‌ایم، خیران بیش از ۳۶

هزار مترمربع زمین را برای ساخت خانه‌های سلامت و ۹ پایگاه امداد جاده‌ای در استان‌های

کرمانشاه، اصفهان، ایلام، لرستان و ایلام به جمعیت هلال‌احمر اهدا کرده‌اند.

آرژو رستم‌زاد

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول

نوبت‌اول





































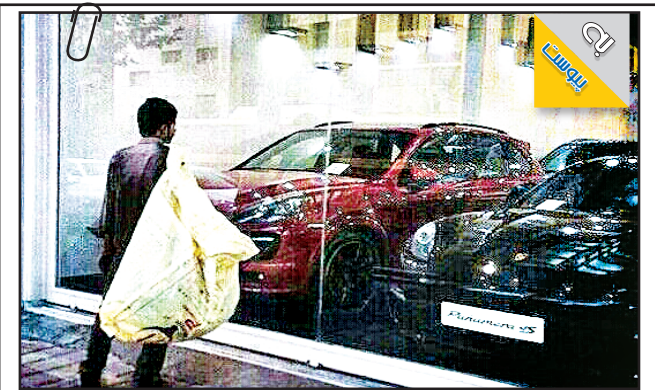












اگر دستم رسد بر چرخ گردون  
از او پرسم که این چین است و آن چون  
یکی را می دهی صد ناز و نعمت  
یکی را نان جو آلوده در خون  
«بابا طاهر»

گفتگو با پیروز ارجمند؛ مدیرکل دفتر موسیقی ارشاد

## موسیقی پاپ را صادر خواهیم کرد

«هومن ظریف»

این اساتید در قبل از انقلاب همانند مرحوم پایور در اقلیت بودند و برنامه‌های محدودی داشتند.

با اجازه، کلامتان را قطع می‌کنم. در این زمینه ما شاهد اتفاقاتی نظیر جشن نوشیراز بودیم که بزرگان موسیقی با تأیید مدیران نظام وقت و حمایت آنها برنامه اجرا می‌کردند.

آن اتفاقات جریان ساز نبود. جریان ساز

بازاری می‌گویند و در آن زمان اساتید موسیقی پنده نیز می‌گفتند وقتی می‌آمدیم دانشگاه تهران، آرزو می‌کردیم که کاش ساز من کوچک‌تر بود تا بتوانم به گونه‌ای آن را حمل کنم تا کسی نفهمد که ساز است. چرا که شاید بپرسند کدام کاباره می‌روی؟! یعنی نگاه مردم مثل نگاه به سینمای آن زمان بود. احساس می‌کردند هر نوع موسیقی مخرب است و خانواده‌ها مایل نبودند فرزندانشان

پیروز ارجمند تاج‌الدینی، اتنوموزیکولوگ، آهنگساز و نوازنده نی، سه‌تار و تنبک و دف، به عنوان مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران، در گفتگویی با ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، به پرسش‌های متعدد ما، جواب‌هایی شفاف و البته امیدبخشی داده است. این گفتگو را بپذیرا باشید:

پرسش نخست من درباره چگونگی تصدی مدیریت موسیقی کشور توسط شما به عنوان یک هنرمند است.

این که حرمت سازهای ایرانی چگونه پاسداری می‌شود، وقتی قرار نیست سازهای باستانی ایران را که میراث معنوی و ملی ماست، نشان بدهید؟

از لحاظ منطقی، وظیفه ساز، نوازش روح و گوش انسان است. چگونه توانستید خود را مجاب کنید که به عنوان یک هنرمند، دنباله رو سیاست عدم نمایش ساز باشید؟ این پرسش بعد از یک سالی که مسئولیت دارید، در ذهن منطقی شما چگونه جواب داده شده است؟ یکی از دوستان، پیش از مصاحبه به من می‌گفت که مسئولان ارشاد ویرترین هستند، کارایی ندارند و قرار نیست چیزی عوض بشود! اما من امیدوارانه منظر پاسخ شما بودم و هستم. چرا که معتقدم همان گونه که افرادی چون داوود پیرنیا، در دهه سی خورشیدی که کشور در برابر طوفان موسیقی‌های پس از جنگ جهانی قرار گرفته بود، از سیاست کناره‌گیری کرده و برنامه‌ای جاویدان به نام گل‌ها را مدیریت کرده است؛ هر کسی به قدر همت خود می‌تواند در ساحت موسیقی مؤثر و جریان ساز باشد.

نشان ندادن ساز در صدا و سیما مسأله است. ما در وزارت ارشاد، برای فیلم‌ها محدودیتی نداریم. شاید بهتر باشد که مدیران صدا و سیما به این سؤال شما جواب بدهند. بگذارد تاریخچه‌ای از این جریان را عرض کنم.

جو غالب در موسیقی در قبل از انقلاب، موسیقی مطربی بوده است. اصطلاحاً به آن کوچه

## غزل‌های حافظ

«اسنانز عزیز اده»

مرحوم ایرج افشار در مقاله مفصلی تحت عنوان «بیاض علاء مرندی» نوشته: «انتشار کتاب غزل‌های حافظ از زمان حیات شاعر به کوشش دلپذیر علی فردوسی که در انتشارات دیبایه به زیبایی و تازه‌آوری چاپ شده (۱۳۸۷)، یادآور بخت بلند شاعر جاودانی ماست و برای دوستداران گلبانگ او ارمغانی اتفاقی و استثنایی در تاریخ ادبیات. کدام شاعر نامور قدیم از اقرا حافظ و سعدی است که حدود ۵۰۰ بیت از سروده‌اش بازمانده از روزگار زندگی او باشد.»

دومین چاپ قدیمی‌ترین نسخه «غزل‌های حافظ» به کوشش دکتر علی فردوسی که در سال ۱۳۸۷ منتشر شده بود، اکنون و با افزودن مقاله تحلیلی مرحوم ایرج افشار و اصل کتاب بیاض علاء مرندی از کتابخانه بادلان آکسفورد، به همت نشر دیبایه منتشر شده است. این اشعار در ۷۹۱ و ۷۹۲ هجری قمری به دست علاء مرندی نوشته شده و بدین ترتیب تنها نسخه یافته شده از زمان زنده بودن شاعر است. اصل کتاب در کتابخانه بادلان در سال ۱۳۸۵ توسط دکتر علی فردوسی پیدا شده و دربرگیرنده اشعاری از سید جلال یزدی، حافظ و شاه شجاع است.



علی فردوسی، استاد نامدار ایرانی در دانشگاه نورترام، در مقدمه چاپ دوم نوشته: «چاپ دوم غزل‌هایی از حافظ که در زمان حیات شاعر توسط علاء مرندی به ثبت رسیده‌اند، با کمی تأخیر به دستتان می‌رسد. نام حافظ و این که این نخستین بار بود که چنین مجموعه معتناهی (قریب به ۵۰ غزل) از شعرهای او که متعلق به زمان زندگانی او بودند پیدا شده بود، موجب استقبال از کتاب شد و خبر چاپ آن، بی‌گراف، به زبان‌های گوناگون در جهان بازتاب یافت.»

اما چرا حافظ برای ایرانیان، شاعر مهم و دوست‌داشتنی بی است و مردم مرتب به آن رجوع می‌کنند؟ از فسال حافظ گرفته تا تأمل و تدبر در آن. چرا؟ این سؤال و سؤالاتی از این دست، همیشه وجود داشته است. به اعتقاد دکتر اسلامی ندوشن، دیوان حافظ به نیازهای انسان در زمان‌های مختلف پاسخ داده است. او می‌گوید: «دیوان حافظ شاهنامه کوچکی محسوب می‌شود که به گونه غزل سروده شده است.

در دیوان حافظ قدرت در عشق خلاصه می‌شود. او می‌خواهد با نیروی عشق زندگی را پیش ببرد هر چند مبتکر این فکر نیست و این کشف عرفان ایران است. حافظ جنبه‌های دیگری هم دارد، او تشعشع جهان باستان را در دیوان خود منعکس می‌کند.

کتاب دیگری نمی‌شناسیم که این قدر یاد گذشته و دوران باستانی در آن راه پیدا کرده باشد. قباد، افراسیاب، سیاوش، کیخسرو و... جا به جا در غزلیات حافظ آمده است.»

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در برخی آثارش، به خصوص «از کوچه رندان» معرفی کاملی از زندگی و افکار حافظ ارائه کرده و سایر اساتید دانشمند ایرانی هم در این باب قلم زده‌اند ولی دکتر علی فردوسی توضیحاتی داده که بسیار خواندنی است. می‌گوید:

«یکی از وجه‌های این ملی بودن همین قابلیت اشتراک پذیری است؛ یعنی اینکه شما، من و خوانندگان چون اسم حافظ در میان است، وارد این مکالمه شده ایم.

بقیه در صفحه ۲



بودن نیاز به یک مانیفست، استمرار و این که جریان دانش بنیاد باشد، دارد؛ مثلاً شما می‌بینید که در قبل از انقلاب، تعدادی زیادی موسیقیدان به ایران می‌آیند ولی هربرت فون کارایان در ایران، ۲ شب سالن خالی می‌رود و یک شب خانواده سلطنتی برای شنیدن اثر به تالار می‌روند.

یعنی نشان می‌دهد که آن زمان هم جو غالب، جو هنری و موسیقی جدی نبوده و غالباً موسیقی عام را می‌پسندیدند. البته با یک خرده تغییر کلاسی که داشتند. در مجموع یکسری موسیقیدان دلسوز و اصیل ایرانی سعی می‌کردند که موسیقی را حفظ کنند، اما جو غالب و جریان سازی نبود.

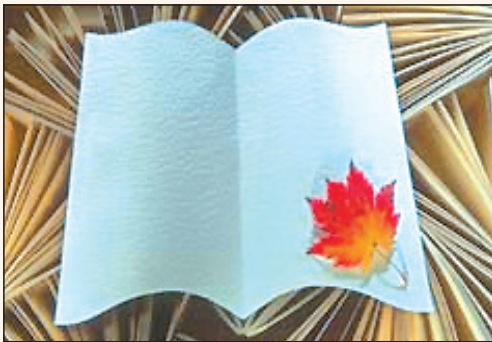
بقیه در صفحه ۴

موسیقی کار کنند. بعد از انقلاب با وجود این که موسیقی در شکل‌گیری انقلاب خیلی نقش داشت، مدیران نظام آمدند در بخشی از موسیقی را محدود کردند.

که عموماً این موسیقی پاپ بود که محدود شد و حتی می‌شود گفت که این ژانر موسیقی بسته شد. به دلیل این که هیچ نوع جایگزینی آن زمان برای موسیقی پاپ وجود نداشت. این جریان تا زمان ما هم طول کشید. خیلی از پدر و مادرها به زعم خود نمی‌گذاشتند فرزندانشان مطرب بشوند! نسل بعد از انقلاب، ما بودیم و آرام آرام ثابت کردیم که در کنار اساتیدی که دوران پیش از انقلاب در اقلیت بودند، موسیقی دیگری وجود دارد.

## نگاهی به رباعیات ایرج زبردست در کتاب حیات دوباره رباعی رباعی؛ قالب دیرپای شعر فارسی

«سید محمود سجادی»



رباعی قالب قدیمی و مشهور و مقبولی است که در ادبیات منظوم ایران جایگاه و پایگاهی مشخص و مستقل دارد. شاید بتوان «رباعی» را به «چهار پاره» یا «چارانه» ترجمه کرد.

اما از آنجایی که «چهار پاره» قالب جدیدی است که در ۷۰-۶۰ سال اخیر در ایران تداول یافت و مورد استفاده شاعران در حقیقت نوپرداز قرار گرفت؛ به این شکل که مصرع دوم و چهارم قافیه داشتند، اما مصرع اول و سوم نه (البته در بیشتر موارد) که سرانندگانی چون فریدون تولی، نادر نادرپور، فریدون مشیری، سیاوش کسری، محمد زهری، نصرت رحمانی، فروغ فرخ‌زاد و... تقریباً اغلب شاعران آن موقع از اواخر دهه ۲۰ تا هنوز از این قالب استفاده کرده‌اند. مدخل شعر معروف فریدون تولی را به عنوان مثال می‌آورم:

بَلَم آرام چون قویسی سبکبال

به نرمی بر سر کارون همی رفت

به نخلستان ساحل قرص خورشید

ز دامان افق، بیرون همی رفت

بقیه در صفحه ۵



تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



«گفتگو از: کریم فیضی ۸۷»

## یک قطره دریا

آقای دکتر شفیعی کدکنی در ذیل این ابیات یادآوری می‌کند که: یکی از اندیشه‌های محوری عطار، تأمل در اسرار ذرات است و از درون ذرات به بی‌نهایت رسیدن و بعضی از غزلیات او نیز، وقف همین اندیشه است. شبستری در ادامه، از «ذره» به «قطره» عبور می‌کند و می‌گوید:

اگر یک قطره را دل بر شکافی

برون آید از او، صد بحر صافی  
این بیت شبستری، تأکید بیت قبلی است، با این تفاوت که به جای ذره از قطره حرف می‌زند که شما هم اشاره کردید.

شیخ شبستری نمی‌گوید: دریاهای بزرگی مانند مدیترانه و سیاه را نشمارید که ببینید هر دریایی از چند قطره آب تشکیل شده است. به جای این کار، دل یک قطره را باز کنید و ببینید که در درون هر قطره‌ای چه خبر است. درست است که دریا از قطره‌ها تشکیل شده است، بروید به سراغ یک قطره و دل آن را باز کنید.

خواهید دید که در درون آن صد دریای صاف ـ نه کدر و شور و کثیف ـ جاری است. در درون هر قطره‌ای، صدها دریای پاک و صاف قابل مشاهده است، تا بی‌نهایت. این تفسیر شبستری از عالم برای ماست.

✱ **ظاهر شما با این تحلیل یا به قول خودتان تصویرها، به صورت کامل موافق هستید در حالی که لازمه شرح و تفسیر علمی، نگاه انتقادی است.**

باید پرسید که چطور ممکن است در دل هر ذره‌ای صد خورشید تابان بدرخشد و چطور ممکن است در درون هر قطره‌ای، صد دریا باشد.

این «صد» به چه معناست؟ آیا واقعاً صد عدد مراد است یا بحث اغراق مطرح است و وزن شعری؟ در بیت بعدی، شبستری به جای صد، از هزار سخن می‌گوید و هزاران:

به هر جزوی ز خاک ابرنگری راست

هزاران آدم اندر وی هویداست  
واقعاً هر جزو از خاک، هزاران آدم را در خودش نهفته است؟  
شبستری نمی‌گوید که هزاران آدم نهفته است، می‌گوید هویداست!

همانطور که اشاره کردم، این تفسیر شیخ از جهان است و غالب عرفا چنین نگاهی به جهان دارند که مسئله تازه و عجیبی هم نیست. شما ظاهراً با نگاه علمی و امروز، چندان با این تفسیرها موافق نیستید.

به هر حال، چیزی که از سخن شبستری قابل استخراج است، همین است که: یک مشت از خاک بی‌پایان کره زمین، اگر خوب و دقیق بنگرید، خواهید دید که هزاران آدم در آن است. اشارهٔ بیت به داستان آفرینش به حسب قرآن کریم و دیگر کتابهای آسمانی است. خداوند فرموده است: گل و طینت آدم را ۴۰ روز با دست‌های خودم سرشتم و او را آفریدم. آدم، موجودی است سرشته شده به دست خداوند. حال، اگر شما یک مقدار از این خاک را بردارید، هزاران آدم را در آن خواهید دید.

انسان از خاک است، با مراحل تطوری و تکاملی که محل بحث آن اینجا نیست. انسان از خاک است و به خاک هم برمی‌گردد. این موضوع قابل انکار نیست.

ادامه دارد

انسان ایرانی از گذشته‌های دور، صدای اسطوره‌هایش را به گوش جان می‌شنید و در بزم شاعرانگی آنها حضور می‌یافت و اعتقاد داشت که از عشق انسانی می‌توان به عشق ربّانی رسید، چنانچه اسطوره‌هایش بدان رسیدند.

ماه گذشته کتاب «پنج اقلیم حضور» نوشته داریوش شایگان از سوی انتشارات فرهنگ معاصر روانه بازار کتاب شد و به همین مناسبت در چند مراسم ویژه از آن رونمایی شد و از نویسندگان آن تقدیر به عمل آمد. «پنج اقلیم حضور»، تمجیدی دوباره از پنج شاعر و اسطوره ادب ایران زمین یعنی فردوسی، خیام، مولوی، سعدی و حافظ است. داریوش شایگان در سال ۱۹۸۳ هنگامی که در فرانسه بود، پیشنهاد نوشتن مقاله‌ای در مورد شاعران ایرانی را از سوی یک مجله معتبر پارسی دریافت کرد.

طرحی در ذهن خود داشت و اساس مقاله درخواستی را بر پنج ستون شعر ایران، یعنی فردوسی، خیام، مولوی، سعدی و حافظ استوار کرد و آن را «پنج اقلیم حضور» نامید. حال آن مقاله پس از حدود سی و یک سال مبدل به کتابی برای عرضه به آنهایی شده که خصلت شاعرانگی دارند. نویسنده در برگردان فارسی آن مقاله به کتاب حاضر، بخش‌هایی را تکمیل کرده و برخی نقایص و کمبودها را برطرف ساخته است. این تغییرات در یک جاساسی‌ترو در جای دیگر اصلاحاتی محدود است.

نویسنده می‌گوید: «ماهیت طرح وار این نوشتار که از زاویه دیدی شخصی، بیش‌تر خاص از این شاعران را بر جسته ساخته است؛ تنها به کلیاتی مقتضی نظر دارد و وصف جامع و جوه مختلف و ظرایف فکری و صنایع عروضی و تدابیر فنی هنر این بزرگان که خود شایسته پژوهشی بسیار بر تفصیل و تخصصی است، البته در حوصله این رساله نمی‌گنجد...»

داریوش شایگان اضافه می‌کند: «مقاله، این پرسش را مطرح می‌کند که ارج و منزلت ایرانیان در قبال بزرگان ادب کشورشان حاصل چه برداشتی است؟ پیوند و



# غزل‌های حافظ

ادامه از صفحه اول

مکالمه‌ای که حق بر ابراماست و ماهمه در آن صاحب نظریم. این ملی بودن، یک وجه دیگر هم دارد که من اخیراً در مقاله‌ای که در نشریه «ایرانین استادیز» در باب تبدیل شدن حافظ به «مظهر اجلازی روح ایرانی» نوشته‌ام؛ به آن اشاره کرده‌ام و آن این است که صدسال می‌شود که میان شعر کلاسیک فارسی و ملت ایران، نسبت جدیدی برقرار شده است. این نسبت جدید میان شعر و ملت و جبه‌های متعددی دارد که یکی از آنها کشف، یا بستن: میثاق جدیدی است میان شاعر ایرانی و ملت ایران.

بنابه این میثاق، در ذهن تاریخی ما، شاعران بیش از هر کسی بر تاریخ ما به عنوان یک ملت و لایت دارند. شاعران ما پاسداران آن امانتی هستند که باشنده‌گی و ویژه ایرانی است. به هر حال، حافظ بی‌شک یکی از شاعرانی است که در ولایت او بر ما جای انکار نمی‌تواند باشد؛ چون در این حدود ششصدساله که زبان فارسی و مردم ایران از هر زبان و دینی، از موهبت معجزه‌آسای نابغه‌یی مثل حافظ برخوردار شده‌اند؛ تجربه‌ای که با شعر حافظ داشته‌اند، تجربه‌ای بوده است متعلق به جوهر حیات؛ تجربه‌ای که به ما اجازه داده است افت و خیزهای حیات فردی و حیات گروهی مان را، از هر مرام و مسلکی که هستیم، نه در خاموشی یا بالکنت، بلکه رسا و بلیغ، زیاندار و زنده، زندگی کنیم.

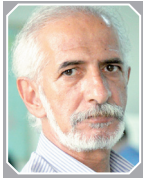
به راستی که کم و بیش ششصدساله می‌شود که زندگانی مایی حافظ به سر نشده است. فکر نمی‌کنم اغراق کاملاً بی‌معنایی باشد اگر بگویم در این ششصدساله که بر ما گذشته است، حافظ نقش متعادل‌کننده‌ای در فرهنگ ما ایفا کرده است. آنجا که شادی کرده‌ایم، نشاط‌مان را تلطیف کرده است و آنجا که بار سختی‌های رفته است تا خواهش حیات را در ما سرود خاموش کند، باز هم حافظ، این آری گوی بزرگ، ما را به زندگانی، به شور حیات، فراخوانده است.»

چاپ تصویری کل بیاض علامه‌ندی، وجه امتیاز چاپ دوم کتاب است که در چاپ قبلی، به جز چند تایی از آن به عنوان نمونه نیامده بود ولی اکنون کتابی که پیش روی مردم قرار گرفته دلچسب‌تر شده است. چون مردم تمامی بیاض را به همان صورتی که در کتابخانه‌ها داپایان

نگاهی به کتاب «پنج اقلیم حضور»، نوشته داریوش شایگان

## رساله شاعرانگی انسان ایرانی

«محمد رضا حیدر زاده»



جوی معشوق. مولانا در این اثر باضربانگ‌های جنون آمیز درونی از خود جدایی می‌شود و گاه این از خود کنندن، چنان راه‌افراط می‌رود که مفاهیم، وضوحشان را از کف می‌دهند و ادراک ناپذیر می‌شوند، چنانکه گویی آتش بازی در آسمان باشد...

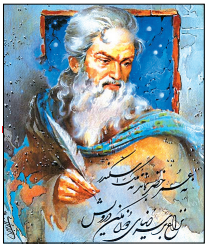
سعدی: او شاید به تعبیر یونانیان باستان، نمونه‌اعلاّی «پایدیا» یعنی صورت آرمانی آداب اجتماعی ایرانی باشد.

او نه فقط سرمشق و گل سرسید «او مانیاس» یا همان آداب و فرهنگ ایرانی است، بلکه ویژگی تعلیمی تفکر او با اتکاب عقل سلیم، اعتدال و عقل معاش، آثارش را برای ایرانیان به قانون طلایی رفتار اجتماعی انسان متمدن بدل کرده است.

بدین ترتیب، سعدی نماینده نوعی اخلاق عملی است که در نشان آن رامی‌توان تادوران ساسانی، در آثار پند و اندرزنامه و سیاست‌الملوک، پی گرفت. البته تقلیل دادن این شاعر بزرگ به بعد تعلیمی صرف، از انصاف به دور است، چه او با بهره‌مندی از نوعی چندسویه، استاد بلامناع شعر تغزلی است

—حافظ: او ترجمان الاسرار ادب فارسی و شاعری منحصر به فرد است. در شعر حافظ، تعادل بین صورت و محتوا در جریان تکاملی تجزیه ناپذیر شکل می‌گیرد. مصراع‌های اشعارش که اغلب متقارنند، فاقد توالی زمانی و گاه ارتباط منطقی با یکدیگرند، بلکه دایره‌های متحدالمرکزی رامی‌مانند که در تو در هم تنیده‌اند و ارتعاشات معانی را به مانند امواجی که از پرتاب سنگ

بر سطح آب شکل می‌گیرند بر مقام‌های مختلف روح انسان طنین می‌اندازند...



ادیبانه، اینکه تکرر متنی سندی است بر کار و کوشش ادبی.

من فکر می‌کنم

پایده شعر از وجه خوانشی هم‌نگاه کرد؛ یعنی به عنوان یک پایده اجرایی که در عمل خواندن اتفاق می‌افتد. بنابراین، تکرر در غزل‌های حافظ حاکمی از تنوع در موقعیت‌های اجرایی غزل است. به عبارت دیگر من فکر می‌کنم حافظ شعرش را زنده‌نگه می‌داشته و زنده می‌خواسته است و خواهان آن بوده است که ماهم آن را زنده بخوانیم و چه بسا هنگام اجرا آن را برای بیان حال و موقعیت‌مان کمی منعطف کنیم.

راز زنده بودن شعر حافظ در همین دیالکتیک ثبات و تنوع است. به عبارت دیگر، من برای تبیین تکرر متنی در شعرهای حافظ جایی برای دلایل تاریخی، اجتماعی و سیاسی هم می‌بینم. نمی‌خواهم و سعادوانخ تعیین کنم، اما من فکر می‌کنم حافظ اگر زنده می‌شد، کاری که زنده‌یاد شاعروادبانش کرد، پاکاری را که همین اواخر کیارستمی بامصرع‌ها کرد؛ کاملاً می‌پسندید و از اینکه شعرش این گونه باز زندگی و بازمان خوانده می‌شود، شاد می‌شد.

ببینید، علامه‌ندی که نسخه‌ماگر دآوری‌اوست، یکی از غزل‌های حافظ را دوبار، آن هم پشت سرهم ثبت می‌کند که با هم اختلاف دارند. احتمال اینکه او این کار را به عمد کرده باشد، خیلی زیاد است. فکر کنم او هم می‌خواسته این زنده بودن شعر حافظ را ثبت کند. اینکه در تنها مجموعه غزلی از حافظ که در زمان حیات او پیدایمی‌کنیم این تکرار هست، به نظر من جالب است. اینها البته نکته‌هایی هستند قابل بحث. حقیقت این است که من نخواستم به صورت منظم و دقیق وارد بحث تفاوت‌های این نسخه با نسخه‌های کهن دیگر شوم. گفتم بهتر است این کار را بر عهده کسانی بگذارم که در این زمینه از من کاردان‌ترند.»

چاپ دوم «غزل‌هایی از حافظ» در ۶۱۸ صفحه همراه با اضافات و دیباچه جدید و نمایه‌های مختلف، با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه از سوی نشر دیبایه منتشر شده است که یک اتفاق خوب برای علاقه‌مندان شعر و به خصوص غزلیات حافظ است. شاعری که گوته در وصف او گفته بود: حافظ، در غزل‌هایت می‌شوم/ که شاعران را بزرگ داشته‌ای/ بنگر که اینک پاسخی فرخورت می‌دهم: بزرگ‌اویی است که این سپاس به بزرگداشتِ او است.

ارتباط درونی این مردم با شاعران بزرگشان از چه سنخی است که چنین به اعماق سرشتشان رسوخ کرده و سایه‌ای سنگین بر کل جهان‌بینی آنان افکنده است؟ ایرانیان مقهور و مسحور نبوغ گرانمایه شاعرانشان، دمی‌از حضور فعال آنان غافل نمی‌مانند، حضوری که نشانه‌هایش را در گوشه گوشه زندگی هر ایرانی و در زوایای مختلف روحی او می‌توان یافت...»

کتاب «پنج اقلیم حضور» این گونه آغاز می‌شود: از میان صدها شاعری که تاریخ ادبیات ایران به خود دیده است، ایرانیان تنها پنج شاعر را در مقام نمونه‌های اعلاّی بینش شاعرانه خویش برگزیده‌اند. این پنج شاعر هر یک به تناسب نبوغ خاص خود، نماینده تبلور یک جریان بزرگ تبارشناسی فکری است که سبک و سیاق و شیوه‌ای منحصر بفرد را در بازتاب نحوه و ویژه جهان‌شناسی خود در پیش می‌گیرد:

—فردوسی: او مظهر اوج حماسه‌ای است که با تأثیر از اساطیر اوستایی و افسانه‌های پارتی و ساسانی، که در پی بیداری آگاهی ملی ایرانیان، از نواحیاگردید، در شاهنامه صورتی قطعی به خود گرفت...

—عمر خیام: او بسا آنکه اصالت دقیق رباعیاتش همچنان پس از گذر سالیان دراز محل مباحثه است، مظهر نوعی تعارض در نبوغ ایرانی است که طی آن جریان‌های متناقض، مانند ایمان و شک، اطاعت و عصیان، و لحظه و ابدیت، در مواجهه با یکدیگر قرار می‌گیرند...

—مولوی: او اوج تکامل نوعی سنت عرفانی است که پیشینه تبارشناسی آن با گذر از حلاج و بایزید بسطامی به سنایی و عطار می‌رسد. بی‌سبب نیست که ایرانیان برای شاهکار بزرگ وی، مثنوی، شانی شامخ در حد تقدس قائلند.

مولانا از سرایندگان عشق است و شاهکار دیگر او یعنی دیوان شمس، حرکت درونی روح است در جست و

نگهداری می‌شود در اختیار دارند. دکتر علی فردوسی در مصاحبه‌ای در تاریخ بهمن ۱۳۸۷ می‌گوید:

«چیزی که این نسخه را از سایر نسخه‌هایی که از شعرهای حافظ داریم متمایز می‌کند، البته قدمت آن است. اینکه ما تا این زمان نتوانسته بودیم مجموعه‌ای از شعرهای حافظ که در زمان حیات او به ثبت رسیده‌اند، پیدا کنیم. مجموعه‌های قبلی، مثل مجموعه‌ای که چند سال پیش توسط سیدصادق سجادی و علی بهرامیان چاپ شد، یا مجموعه به قلم سیف جام‌هری که نزدیک‌تر احمد چاپ کرده، به زمانی قبل از هشتصد و سه یا چهار بر نمی‌گردند. اینکه ما مجموعه‌ای داریم که قبل از مرگ شاعر در نخستین روزهای هفته‌های سال ۷۹۲ ثبت شده باشد، از چند جهت حائز اهمیت است.

یکی اینکه این نکته را تأیید می‌کند که تنوع یا تکرر و من مخصوصاً کلمه تفاوت و اختلاف را به کار نمی‌برم، در ضبط هائری نیست که پس از مرگ حافظ پیش آمده باشد، بلکه بر می‌گردد به زمان حیات شاعر. من حتی فکر می‌کنم بی‌آنکه اصراری داشته باشم، نسخه ما پیشنهاد می‌کند که این تنوع‌ها چیزی است که حافظ خود در آن دست داشته است. به عبارت دیگر می‌خواهم بگویم حافظ خودش قبول داشته است که چندروایت از غزلش موجود باشد. این به شعرهائو نوعی انعطاف‌پذیری در بهره‌گیری می‌دهد.

خود حافظ هم به این ترتیب می‌توانسته است بر حسب موقعیت بیت‌های غزلش را پس و پیش کند، یابیتی را بپندازد، یا بپذیرد، یا واژگانی را تغییر دهد. همه اینها به او اجازه می‌داده است به شعرش وجهی زنده و اجرایی بدهد و در هر اجرا آن را با زمان و مکان جور و مناسب کند. من حتی از این هم پیش‌تر می‌روم و می‌گویم، باز هم بی‌آنکه اصرار کنم، حافظ به این ترتیب به خوانندگانش آن اجازه می‌داده است که با کمی دستکاری در غزل آن را از خود کنند. من با این نظر رایج که تکرر در روایت غزل‌ها در زمان حیات شاعر، حاکی از این هستند که شاعر پیاپی شعرهایش را برای دسترسی به نتیجه‌یی بهتر دستکاری می‌کرده است، مخالفتم ندارم، اما راستش را بخواهید آن را توجیهی بیش از اندازه ادبی می‌بینم؛ یعنی این دید کاهش گرایانه که فکر می‌کند هر عملی در ادبیات کاری است





معرفی مجموعه منطق و نظریه ادبی در شعر فارسی / رضا روشنی / نشر داستان / ۹۳

## فکرهای الکترونیکی پشت برگ انجیر...

نظریه ادبی و مؤلفه‌های نظام معرفت‌شناسانه در شعر سنتی و نو برای مخاطب امروز شناخته شده نیست. هنوز صاحب‌نظران و تئوری‌پردازان خاصی که بتوانند به زبان ساده پیرامون سنت‌های ادبی به ویژه ادبیات پست مدرن و حرکت‌های نوگر یانه آن با مخاطب امروز بنشینند و گره از کار فرو بسته آن بکشایند، یافت می‌نشد.

دانشکده‌های ادبیات با ادبیات امروز قهرند و تعداد معدودی از کاشفان فرو تن رمزینه‌های فلسفه و ادبیات ما دور از دست. در دهه هفتاد، بابک احمدی و تاحدودی هوشنگ گلشیری در ماهنامه مفید توانستند راه را برای آشنایی با مؤلفه‌های پست مدرن و ادبیات نوگر یی امروز باز کنند و شاعران پر شور جوان فکر را با دغدغه‌های آن آشنا نمایند و مخاطب دیرپز امروز را به لذت متن هدایت کنند. چاپ و انتشار چنین کتاب‌هایی از طرف اکثریت ناشران، بنا به علل تجاری را رکورد همراه شد و صاحب‌نظران اندک آن در نبود حمایت‌های جانانه از طرف نهادهای فرهنگی به برگزاری سمینارها و جلسات تخصصی بسنده کردند و اکثر نا گفته‌ها نا گفته ماند. شاعران جوان به بلوغ کردن چند اصطلاح و چند نام بر جسته از فلاسفه معاصر فرانسه و آلمان و... دل خوش کردند و بدون اینکه از ساختار شکنی تعریف جامعی درک شود، به دریدن جامه ژاک دریدا پرداختند.

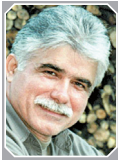
«رضا روشنی» از جوانان خوشفکر خوزستان که از اعضای تحریریه فصلنامه ادبی پاد خوزستان است؛ اخیراً کتاب جامعی با عنوان (منطق و نظریه ادبی در شعر فارسی) منتشر کرده که در حد خود



رضا روشنی

ارزشمند این جوان رعنا قدر بیند و بر صدر نشیند. روشنی این کتاب را در شش بخش و در هر بخش چندین مورد از نظریه‌های ادبی دیروز و امروز شعر ما را بررسی کرده که در حد خود مفید و مثمر ثمر است. بخش اول نظام‌های معرفتی ادبی؛ بخش دوم تأملاتی پیرامون سنت ادبی؛ بخش سوم موانع سر راه نظریه ادبی؛ بخش چهارم تأملاتی پیرامون مدرنیسم و شعر نیمایی؛ بخش پنجم تأملاتی پیرامون پسامدرنیسم و در بخش ششم نظریه دیگر گونه ادبی مطرح شده است.

در بخش پنجم کتاب، رضا روشنی زیر عنوان پیرامون جریان پسامدرنیسم، مؤلفه‌های جریان پسامدرن به نقل از



اکبر اکسیر

کتاب سه دهه شاعران حرفه‌ای اثر استاد علی باباچاهی پرچمدار شعر پسایمایی نقل کرده که در تحلیل برخی از مؤلفه‌های جریان شعر پسامدرن، تمایل فطری به متفاوت‌نویسی / ساده‌نویسی / نگاه انتقادی به سنت زبانی و تاریخ گذشته تصرف در قواعد نحوی / عدم وحدت ارگانیک در اثر / مخالفت با شعر و شاعر مردمی / بحران حقایق / طنز / تحلیل زبان و بازی زبانی / و خطاهای زبانی آن را شرح داده است. بخشی از مبحث طنز را خدمت دوستان می‌آورم: طنز یکی از مهمترین مؤلفه‌های شعر پسامدرنی است. در این جریان امور معنای جدی و مسلم خود را کاملاً از دست داده و معنای استهزاآمیزی به خود می‌گیرد. با اینکه طنز مؤلفه‌ای مشترک بین نظام‌های معرفتی شعر سنتی و مدرن بوده، اما ظرفیت طنز در نظام معرفتی پسامدرنی بسی بیشتر است.

جریان پسامدرنی بی‌هیچ ملاحظه‌ای به کلید الزامات عقلی و نقلی دست‌اندازی می‌نماید. شعر علی باباچاهی به عنوان نمونه از اشعار پسامدرن طنز را در حدی فوق‌العاده نشان می‌دهد:

به من می‌گویند: شیخ عطار بدلی / دنبال قصاب ارزان قیمتی می‌گردم / که گوشیم را بکند از ته / به درد عاشق شدن نمی‌خورم اصلاً / چشم را تازه عمل کرده‌ام / عینکم از اعداد درشت سبقت می‌گیرد / اما از این طرف / زندگی آنقدر خجالتی ست / که فکرهای الکترونیکی پشت برگ انجیر قایم می‌شوند...

\*\*\*

از رضا روشنی که تکلیف خیلی‌ها را با پست مدرن و مؤلفه‌هایش روشن کرده، متشکریم!



حسین فارزانی

به رهی دیدم برگ خزان - ۴

## در محضر استاد صبا

به همین دلیل دایم ام گفت: تو از این به بعد از نام‌فامیل «یاحقی» استفاده کن.

و به این ترتیب سال ۱۳۳۴ یعنی از همان ورود آقای معینان به رادیو و انتشارات آن روز، که بعدها به آن وزارت اطلاعات می‌گفتند، من وارد رادیو شدم و چند آهنگ برای منوچهر همایون پور ساختم. بعد هم با دیویش رفیقی کار کردم و ۱۹ ساله بودم که آهنگ معروف «ای امیددل من کجایی» را با شعری از استاد نواب صفا ساختم که آن را غلامحسین بنان اجرا کرد و ترانه برنامه گلهای شماره ۱۷۲ بود که در این اثر، استادان من رضی محجوبی (پیانو)، ابوالحسن صبا، حسین یاحقی، علی تجویدی، حبیب‌الله بدیعی (ویولن‌ها) نصرالله زرین‌پنجه (تار) حسینعلی وزیری تبار (قره‌نی) حسین تهرانی (تنبک) و چند هنرمند دیگر که حدوداً بیست نفر بودند، حضور داشتند. این آخرین برنامه‌ای بود که استاد در آن حضور داشتند و بعد از دوسه هفته از دنیا رفتند.

رهبری ارکستر در مقابل استاد

ماجرای رهبری یک ارکستر برای برنامه گلهای رادیو توسط یک جوان ۱۹ ساله نیز از ماجراهای جالب دنیای موسیقی اصیل ایرانی است که پرویز یاحقی در این باره توضیح جالبی دادو گفته است:

وقتی من رفتم که آهنگ را برای اجرا آماده کنم، به خاطر احترامی که برای استاد صبا قائل بودم، از ایشان خواستم تا ارکستر را رهبری کنند، ولی استاد با بزرگواری از جابلند شدند و با ارشده و یولن روی دسته‌صندلی زدند و ارکستر را امر به سکوت کردند. بعد هم با صدای بلند گفتند: چون شما آهنگ را ساختید، من سر جای خودم می‌نشینم، شما خودتان بپایید و ارکستر را رهبری کنید.

\*\*\*

ملاحظه می‌فرمایید که چگونه استادان آن روزگار استادی می‌کردند و چگونه برای استعداد کشف شده در آن روزگار احترام قائل بوده‌اند و در یک ارکستر حاضر بوده‌اند حتی به او اقتدار کرده و نت‌های او را بنوازند. و می‌بینید که چگونه «پرویز یاحقی» پس از سالها استادی، هنوز از استادان خود با این همه ظرافت و شرافت یاد می‌کند. او در این مصاحبه، حرف‌های دیگری هم زده است که در شماره آینده خواهید خواند.



## مرحمتار آواز صدا آواز خوانی

«علیرضا پور امید بخشی اول

«خسته خوان، خنیاگر دلسوخته آواز کن  
نور می‌بارد، نه آواز آن گلسو، اعجاز کن»  
«... چون موکب گردون احتشام [تیمور] از ولایت ری بگذشت میرزا میرانشاه [پسر تیمور] به آستان اقبال پناه رسید و صاحبقران عالیجاه روز اول او را بار نداد و روز دوم اگر چه شاهزاده را طلبیده در آغوش کشید اما به نظر التفات درونی ننگریست... و تیمور، خواجه آقوغا و جلال الاسلام را جهت تحقیق مهمانش به تبریز ارسال داشت و ایشان نواب و کارکنان میرزا میرانشاه را گرفته بند کردند... [تیمور] حکم فرمود که ندما و سازندگان [موزیسین‌ها] میرزا میرانشاه را بردار اعتبار کشنده و به موجب فرموده... استاد قطب الدین نائی [نی‌نواز] و حبیب عودی [بربط نواز] و عبدالمومن گوینده [آوازخوان] که هر یک در فن موسیقی وادوار، در زیر گنبد دوار شبیه و نظیر نداشتند گرفتار گشتند... جلاد نخست ریسمان در نای استاد قطب الدین نائی انداخت، او را بردار کشید و چون نوبت به مولانا محمد رسید این دو بیت منظوم گردانید:

پایان کار و آخر عمرست ملحد

گر بایدت و گرنه به بدست اختیار نیست  
مردانه وارگر بر نرندت به پای دار  
مردانه پایدار، جهان پایدار نیست  
و همان زمان سایر رفیقان ایشان را نیز از همان شربت [دار] چشانیدند...

(خواند میر، حبیب‌السیر، ج ۳، ص ۴۸۳)

«... [درویش خان] بعد از اتمام دوره فراگیری نزد جناب میرزا حسینیعلی، بدستگاه شعاع السلطنه فرزند مظفرالدین شاه قاجار پیوست، لیکن زمانه با روح آزادگی او در دستگاه نوکر پرور، بر او سخت می‌گرفت تا ناگزیر به تهران گریخت. ترس از خشم شعاع السلطه و فرمان او از مقام‌های بالاتر و دوستان و آشنایان نمود ابتدا کمال السلطنه (پدر ابوالحسن خان صبا) به وساطت بر خاست لیکن بعدها فراش باشی شعاع السلطنه به کلاس درویش خان در تهران یورش آورد تا وی را به شیراز بازگرداند درویش خان گریخته به سفارت انگلیس ... پناه برد، هنر او که این بند را به پایش فکنده بود، این بار بدادش رسید و همسر سفیر انگلیس با شفاعت قدرتمندانه‌اش درویش خان را نجات داد و...»

«... در بیست سالگی «تاج» در تهران و در کنسرتی که حاجی فجر السلطنه هدایت، نخست وزیر فاضل و اهل موسیقی، به همراه وزرایش و چند نماینده مجلس حضور داشتند، بر صحنه حضور یافت و شعر فرخی یزدی را با مطلع: «فرخی از زندگی خوش است به نانی / گر نرسد آن هم، اضطراب ندارد» خواند و سپس تصنیف مرغ سحر (شعر ملک الشعرای ساخته نی داود) را خواند...

او قبل از سفر به حلب [سوریه - تاریخ ۱۳۱۷] جهت ضبط صدا مدتی به توصیه قطب السادات نزد شیخ خزعل راه یافت و پس از شکست خزعل از رضاشاه به رشت و تهران و اصفهان سفر نمود و...»  
نقل ۳ حکایت مذکور، که البته تاریخ نمونه‌های بسیار و بی‌شمار دیگری را در سینه خویش ثبت و ضبط نموده است. ضمن اینکه از تنگناها و ششاید جاری براهالی هنر حاکی است، اما شهادی است بر خوش اقبالی جلال تاج اصفهانی که پس از قدرت یافتن و به تخت نشستن پهلوی اول، به جرم نزدیکی با حاکم مغلوب و معدوم (شیخ خزعل) مجازات نشد و با وجود شرافت و آزادگی اش و عدم برخورداری از حمایت و پشتیبانی مقامات بالا و نزدیکان حکومت (مثل «القمی» که پس از فتح بغداد، چنانچه خواجه نصیر طوسی به یاری او نمی‌شتافت، از تیغ بیرحم و کینه‌بنیانکن «هلاکو» وهایی نمی‌یافت و بی‌تردید خوش ریزخته می‌شد) به لطف خدا و یاری بخت، جان سالم بدر برد.

بی‌نویس:

۲- برگرفته و تلخیص از نام نامه موسیقی، مهدی ستایشگر، اطلاعات، مداخل درویش خان تاج

ادامه دارد

سه‌شنبه هفته قبل تعطیل بود و حالا شما با یک هفته تأخیر، ادامه حرف‌های پرویز یاحقی، آهنگساز «به‌رهی دیدم برگ خزان» را می‌خوانید. حرف‌هایی که از دل یک مصاحبه با او که چندی پیش از مرگش انجام شده، انتخاب کرده‌ام؛ اما قبل از آن، از همه کسانی که از راه دور و نزدیک تماس گرفتند و پیغام‌هایی برای این پاورقی داشتند و پیشنهاد پرداختن به برخی آهنگ‌ها را دادند تشکر کنم.

قول می‌دهم در همین پاورقی به بررسی برخی ترانه‌های قدیمی در خواستی شما پیر دازم که البته پژو و هش‌های میدانی بسیاری در دهه‌ها و سالهای گذشته در این زمینه انجام داده‌ام و درباره ترانه‌هایی چون مرغ سحر، توای پری کجایی، امشب در سر شوری دارم، بر دی از یادم، می‌خوام برم کوه... دایه دایه وقت جنگه، اون نگاه گرم تو، های‌های رشید خان، یک حمو می من بسازم و بسیاری از ترانه‌های مورد نظر شما انجام داده‌ام که ششم‌ای از آنها را در این ستون خواهم آورد و البته دامنه این پژو و هش‌ها به چنین ترانه‌هایی محدود نمی‌شود و حتی بسیاری از ترانه‌های پاپ، لاله‌زار و کوچه بازاری را نیز در دامنه تحقیقات و پژو و هش خود داشته‌ام و دارم که اگر فرصتی باشد در مورد هر یک با شما حرف‌هایی خواهم زد.



بهمین پور، نویسنده کتاب چهره‌های ماندگار انجام شده است. مرحوم یاحقی در این بخش گفته است:

در کلاس‌های استاد صبا

خاطر من هست که مرا از سن پانزده سالگی نزد استاد صبا فرستادند تا در کلاس ایشان افتخار حضور داشته باشم که یکی دو سال هم نزد مرحوم صبا کارم را ادامه دادم. مادرم اتاقی کوچک در زیر زمین خانه برای من آماده کرده بود، صبح‌ها ساعت پنج، زودتر از این که اهل خانه از خواب بیدار شوند، به اتاق می‌رفتم و در راه روی خودم می‌بستم و شروع می‌کردم به تمرین تا ساعت هفت و نیم بامداد که باید به مدرسه می‌رفتم، فاصله خانه تا مدرسه حدود ۳۰۰ متر بود که من همیشه این مسافت را می‌دیدم



گفتگو با پیروز ارجمند؛ مدیرکل دفتر موسیقی ارشاد



آتشکوه از مومن قزلباش

# موسیقی پاپ را صادر خواهیم کرد

ادامه از صفحه اول

«البته من احساس می‌کنم که شما در این باره از خود سلب مسئولیت کردید؛ یعنی جوابی که دریافت کرد کل این بود»

بیگنارید جریان تاریخی آنرا بگویم. اگر شما می‌بینید که بعد از انقلاب تا امروز، لایه‌های موسیقی به تدریج دارد آزاد می‌شود و اصلاح می‌شود؛ در واقع یک جریان هدایت شده و مؤثری است. و درست هم هست. یعنی اگر در اوایل دهه هفتاد موسیقی پاپ رشد می‌کند، زمانی است که تعدادی از موسیقیدانان پاپ به صورت خودجوش حرکت کرده‌اند و این ظرفیت را ایجاد کرده‌اند که نظام آن را تبدیل به یک اتفاق می‌کند و موسیقی ما مشکل می‌گیرد.

من معتقدم مشکل مجوزهایی که برای حمل ساز داده می‌شد بافتنای امام <sup>(ع)</sup> حل شد. خرید و فروش ساز قبل از آن جزو مکاسب محرمة بود. یعنی نشان می‌دهد که ما آرام آرام به سوی موسیقی خوب در حال پیشرفت هستیم. مایک روزی نگران ورود موسیقی لوس آنجلس بودیم و دغدغه ما ورود این نوع موسیقی بود؛ اما امروز نه تنها نگران نیستیم، بلکه به فکر صادرات موسیقی پاپ هم هستیم. یعنی کنسرت موسیقیدانان جوان ایرانی در خود لوس آنجلس، مخاطبان زیادی دارد. این نشان می‌دهد که ما امروزه صادرکننده موسیقی هم شده‌ایم. یک موسیقی پاپ پاک را صادر می‌کنیم. بنابراین توقع دارم که با مدیریت جدید صدا و سیما، جناب سرافراز، جریان نشان دادن سازها حل شود؛ چرا که ایشان به مدیریت کارشناسی هر بخش اهمیت می‌دهد و اگر به کارشناسان محول کند، خود ما محدودیت‌های اندک آن را رفع می‌کنیم. ما راهکار آن را بلدیم، فقط نیازمند اعتماد آقای سرافراز به بخش موسیقی هستیم و این که صدا و سیما فارغ از کارآمد و روز خود، از تمامی ظرفیت‌های نظام بهره‌بردار تا مشکل حل شود.

«جناب ارجمند، آموزش موسیقی بنابر اصلی که باور دارید، باید از سنین کودکی آغاز شود. چرا هیچ کلاس موسیقی در حد سلفژ وارف را در جارت آموزش هنر آموزش و پرورش شاهد نیستیم؟ وقتی موسیقی در هیچ یک از مقاطع تحصیلی، آموزش داده نمی‌شود، هزینه‌های والدین و استعداد فرزندان از بین می‌رود. چرا آموزش مدون و امرانه موسیقی در آموزش و پرورش را شاهد نیستیم؟ آیا ارشاد وظیفه‌ای در این قبال احساس نمی‌کند؟

شاید بهتر باشد که مدیران آموزش و پرورش جواب بدهند. اما من به عنوان کسی که ۳۱ سال در آموزش و پرورش به عنوان مربی و کارشناس عضو سازمان تألیف کتاب درسی بودم و عضو چند شورادر آموزش و پرورش بوده‌ام، شاید بتوانم از آن منظر به شما جواب بدهم. در آموزش و پرورش، همین دل‌نگرانی که گفتم وجود دارد؛ یعنی اگر آموزش در سیستم آموزشی ما تعبیه بشود، آیا این مؤثر خواهد بود یا خیر؟ آیا تمامی زیرساخت‌ها برای این آموزش آماده است یا خیر؟

ما قبل از انقلاب درسی به نام سرود در مدارس داشتیم. این درس را چه کسانی تدریس می‌کردند؟ مثلاً اگر در یک شهر، نوازنده ویولون بوده، ویولون می‌زده و بچه‌ها سرودی را می‌خواندند، ما سیستم آموزشی بسیار قدرتمندی در آموزش و پرورش نداشتیم. لذا آموزش و پرورش، فعالیت رسمی موسیقی خود را در درسی به عنوان سرود در بعد از انقلاب تعریف کرد. ما سال گذشته ۳ میلیون و هشتصد دانش آموز فعال در درس سرود داشتیم. اینها در سرود همگانی، سرود هزار و سیصد و پنجاه و هفت نفری و سرودهای کلاسی، همخوانی می‌کردند. در همه مقاطع درسی تأیید دانشگاهی.

«یعنی سلفژ آموزش داده می‌شود؟

— ببینید، من خیلی نگران آموزش مستقیم سلفژ و تئوری در مدرسه نیستیم. زمانی باید این موارد تدریس بشود که دانش آموزی در راهنمایی و دبیرستان بخواند رشته تحصیلی خود را موسیقی انتخاب کند.

«من شنیده‌ام که کودکی که استعداد نوازندگی پیانو دارد، باید در سنین کودکی به این مهم اهتمام بورزد. این با تعریف شما از آموزش موسیقی همخوانی ندارد.

— در سنین چهار و شش سالگی، بخش ریتم در مغز کودک کامل می‌شود. بین ۶ تا یازده سالگی، بخش ملودی مغز انسان و از یازده سالگی بحث هارمونی و چندصدایی مغز کامل می‌شود. در آموزش و پرورش، اکنون به دلیل این که مراکز تعلیم و تعلم و دانشگاه‌ها فرهنگیان درسی که به عنوان موسیقی یادگیر دروس مورد آموزش قرار می‌دهند، درس کاملاً منفعل است.

ایراد اصلی این است که ما معلم موسیقی در آموزش و پرورش نداریم. کل فارغ‌التحصیلان موسیقی در کل آموزش و پرورش، که استخدام رسمی شده‌اند، ۱۶ نفر هستند و ایاقی تحصیل کرده موسیقی نیستند و موسیقی

چون دانش بسیار دقیق و علمی مدونی است، اگر توسط یک غیر متخصص انجام شود، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه مضر هم هست. بنابراین اکنون در شرایط موجود آموزش و پرورش، به نظر می‌آید آموزش موسیقی را به بخش خصوصی محول کنیم. آموزش و پرورش دو کار می‌تواند انجام دهد:

۱- بخش فعالیت سرود با عنوان خواندن راجدی بگیرد. کلاس آموزشی برای مربیان گذاشته شود.

۲- مباحث شناختی را در نظر بگیرد که به خلاقیت فرد مربوط است که مورد کمبود است.

«توقع ما خیلی حداقلی است. مثلاً کودک من هیچوقت با ساز تار و سنتور در کتاب‌های خود آشنا نمی‌شود!»

— مادر ساز مان تألیفات، کتاب هفتم را تألیف کردیم که در آن بخش هنرهای آوایی دارد.

«منظورم ساز بود»

— مادر آنجالحن و بافت و آواز توضیح دادیم و سعی کردیم ذهن دانش آموز را به سمتی ببریم که هر چه در طبیعت می‌بیند، ریتم و هارمونی را بشناسد و آنها را تبدیل کند. مادر پایه هشتم، مباحث شناختی را ادامه می‌دهیم و آرام آرام به سمت پیش دبستان و دبستان خواهیم رفت، اما نگاه ما بر این اساس است که شناخت را به افراد بدهیم و انتخاب با خود افراد باشد.

ما زیرساخت‌های آماده‌ای نداریم. صدا و سیما خیلی می‌تواند کمک کند. ما نیازمند آموزش فراگیر عام هستیم. فراگیر عام توسط رسانه‌ها و آموزش و پرورش انجام می‌شود. زمانی ما به سختی موسیقی گوش می‌دادیم. دوران نوار کاست و محدودیت تکنیک بود. امروزه در هر موبایلی هزاران آهنگ وجود دارد و مصرف موسیقی، صد در صدی شده است. پس هیچ راهی وجود ندارد برای اینکه مردم ما سراغ موسیقی ناپاک نروند، باید آموزش و شناخت به اینها بدهیم. شناخت از طریق صدا و سیما انجام می‌شود. مادر منابع فقهی هم داریم که تشخیص موسیقی مشکوک بر عهده شخص مکلف است هر فردی خود به تنهایی می‌تواند موسیقی ناپاک را بشناسد.

موسیقی انتزاعی ترین هنر است. هر اثر موسیقایی بر روی افراد مختلف تأثیرات مختلفی می‌گذارد.

«این که فرمودید موسیقی ناپاک؛ یعنی چه؟!»

— آن موسیقی ناپاک است که نه از نظر احساس، نه تأثیرگذاری مفید، نه کاربردی، مؤثر نیست و موسیقی خنثایی است که هیچ تأثیری بر انسان نمی‌گذارد. مثلاً غذایی که نه ویتامین دارد و نه سیر می‌کند.

«این تعریف ناپاکی موسیقی، از تعریف خود موسیقی انتزاعی تر شد!»

— در قدیم چیزی مانند شو مینه در خانه داشتیم که گچی بود. نه حرارتی داشت و نه کاربرد دیگری و تازه جایی از خانه را نیز اشغال کرده بود. مادر موسیقی هم چنین چیزی را داریم. موسیقی ناگوار آمد، بدون تأثیر احساسی و نه بن مایه فکری دارد مثل هنر کچی.

«می‌شود یک مثال موسیقایی از موسیقی ناپاک یا خنثی ارائه کنید؟»

— فرض کنید یک فرد افسرده است و اگر موسیقی بی‌بشنود که در جه افسردگی او را به حدی بالا ببرد که خودکشی کند...

«این موسیقی، حداقل خنثی نیست!»

— نه این موسیقی ناپاک است. آن موسیقی خنثی چیز دیگری است. چرا آن نوع موسیقی کچی را تولید می‌کنیم؟ «مصدقاً درباره موسیقی خنثی ارائه می‌دهید؟»

— موسیقی‌های صدا و سیما که تولید سازمانی است و پخش می‌شود، مصداق موسیقی خنثی است. نه فضای رسانه‌ای را پر می‌کند، نه مخاطبی دارد و نه سفارش دهنده راضی است! مصرف آن هم زیر یک میلیونیم در صد است. از این نوع موسیقی خنثی هم زیاد داریم که خود، تولید می‌کنیم! اما موسیقی مثل مثال در یک گروهی که مانیفست شیطان پرستی دارد و بر اساس یک تفکر خاص می‌شوند، تأثیر مخربی دارد. ولی همین موسیقی مثال را یک پیر مرد روستایی در خراسان می‌شنود و رابطه دیگری با آن پیدا می‌کند. یک اثر موسیقی می‌تواند برای کسی افسردگی ایجاد کند و دیگری را آرام کند.

این خاصیت موسیقی شبیه جاقوی جراحی است.

پس آگاهی و شناخت، بدیهی ترین امر در موسیقی است. دانش آموزان و مخاطبان رسانه، بدون شناخت در معرض بسیاری خطرات هستند.

«پس نباید صورت مسئله را پاک کرد و باید آن را شناخت»

— از دید من، هیچ نوع موسیقی در دنیا نیست که در ذات خود مضر باشد. آن چیزی که موسیقی را مضر می‌کند، متن و کلام آن است یا مانیفست گروهی است که آن را تبلیغ می‌کند. هر مار که کشنده است، می‌تواند دارو نیز باشد. هیچ چیز در خلقت خدا نیست.

«از این بحث بگذریم. شاهد حضور کیتار و در ایران بودم. ولی به واسطه حضور او نتوانستیم نام خلیج فارس را تبلیغ کنیم و نه اصولاً توجهی به آرامگاه شمس در خوی یا شهر شیراز و اصفهان کردیم و شور یخخانه، در تهران این فرصت را از دست دادیم. چه بسا کنسرت کیتار و یا یانی در کنار میراث فرهنگی ما، باعث تجلی هویت ملی و آیینی می‌تواند بشود. چرا کنسرت در تخت جمشید را به عنوان فرصتی برای ارزیابی و پیدا کردن مخاطبان از گردشگران خارجی در ایران، از دست می‌دهیم؟»

— این موارد از اولین تجارب مادر برگزاری کنسرت است. بخشی بر می‌گردد به مدیران برنامه آنها. ما باید زیرساخت‌ها و استانداردهای آنها را رعایت بکنیم تا آنها موافقت کنند تا در پرسپولیس و طاق بستان و باغ شازده کرمان کنسرت بدهند.

۱۲ ما سایت باستانی را سال گذشته داشتیم که در آنها کنسرت برگزار شد. علیرضا قربانی مثلاً در کاروانسرای گنجعلی خان و باغ غفیف آباد شیراز و عمارت مسعودیه تهران کنسرت اجرا کرد. این رویکرد خود من هست. اما برای کنسرت‌های خارجی این امکان باستانی باید خیلی استاندارد باشند. قرار است که کنسرت بعدی کیتار و رابا شرایطی که دلخواه من و شماست برگزار کنیم؛ یعنی خود



کیتار و از کنسرتش راضی بود. اتفاقاً مادر می‌تواند رابه عنوان کنسرتی آرام و امن و دارای مردم با فرهنگی معرفی می‌کنیم. «تردید ندارد مردم ۱۲ سایت باستانی که ذکر کردید، شهر توس مشهد و شهر فردوس نیست. چرا آقای شریفیان، نمی‌تواند در شهر خودش بوشهر کنسرت بدهد؟»

— اطلاعات شما اشتباه است. آقای شریفیان، نه تنها در بوشهر به وفور در حال کنسرت دادن است، بلکه آن کنسرتی که هم لغو شد به خاطر ازدحام در هفته بوشهر توسط شهرداری بوشهر لغو شد. همین ماه قبل، جناب شریفیان، پنج مجوز کنسرت دریافت کرده است. او هیچ محدودیتی ندارد. کنسرت‌های بوشهر به صورت مداوم در حال برگزاری است. این کم لطفی دوستان است که عنوان نمی‌کنند. مادر بقیه شهرها در مشهد حتی بابل هم کنسرت داریم، فقط با توجه به شرایط عرفی آن شهرها آن را برگزار کرده‌ایم به شورای تأمین و شورای فرهنگ عمومی استان.

«این جواب رامن از ارشاد دولت قبل هم گرفته‌ام. هر هفته در سالن هنرهای زیبا، مادر مشهد شاهد برگزاری کنسرت هستیم. در نیشابور و فاروج هم، مشکل ما برای نرفتن چهره‌های موسیقی در این شهرها، مسائل موسیقی و دستمزد است.

گروه‌ها به آنجانی روند. اما با رعایت شئونات در مشهد و قم کنسرت برگزار می‌شود. شما در این زمینه کم

اطلاع هستید.

«امیدوارم بتوانیم آماری را از این کنسرت هاداشته باشیم»

— ما چراغ خاموش حرکت نکنیم، اولین کسانی که باعث لغو کنسرت کیتار و می‌شدند، خود این رسانه‌ها بودند!

«از نقد جرابید بگذریم. چرا مشکل حمل ساز در فرودگاه به یکباره اتفاق افتاد و آیا از وقوع چنین اتفاقاتی می‌توان با تمهیداتی جلوگیری کرد؟»

— آن قضیه چند دلیل داشت. عدم شناخت مهماندار هوایما از آقای حسین علیزاده و علاقه شدید آقای علیزاده نسبت به سازش. این اتفاق، در مجموعه ارشاد هم رخ می‌دهد یعنی با هنرمندان گهگاه رفتار درستی نمی‌شود که بنده تذکر می‌دهم.

حتی در همین دفتر موسیقی قبلاً رفتار خوبی با هنرمندان نمی‌شد که امروزه چنین نیست.

منظورم این است که ماها که متولی موسیقی هستیم گهگاه رفتار خوبی با هنرمندان موسیقی نداشتیم. خود من، ۶ سال پیش آلبومی برای اخذ مجوز به ارشاد آوردم، رفتار و برخوردها چنان بد بود که برای اخذ مجوز دیگر به ارشاد نرفتم و از انتشار آن آلبوم منصرف شدم.

«شاهد حضور پر قدرت شما از جشن خانه موسیقی ما بودم. حمایت شما نسبت به این سایت، فقط معنوی است و آیا ادامه خواهد داشت؟»

— حمایت ما صرفاً معنوی است. هیچ هزینه‌ای را پرداخت نکردم. من از زمانی که آمده‌ام از همه شرکت‌های خصوصی و اتفاقات آنها حمایت کرده‌ام، از کنسرت کیش کیتار و جشنواره شهناز در اصفهان و جشنواره استاد هما یون خرم و دیگر، هر برنامه بخش خصوصی که مورد تأیید ما باشد، از آن حمایت می‌کنیم. شاید این تا به حال عرف نبوده ولی من سیاستم حمایت از بخش خصوصی است. ما بر اساس استعمال از حراست، وارد حمایت از اتفاقات بخش خصوصی موسیقی می‌شویم. ۸۰ درصد از هنرهای را سال پیش حمایت کردیم حتی اگر مثل جشنواره موسیقی بانوان لغو هم شد، باز کمک کردیم تا این بخش با اصلاح کار خود را شروع کند. من به سیستم سلبی اعتقاد ندارم.

«چرا از گردشگران خارجی روز افزون برای جذب مخاطب کنسرت‌های داخلی استفاده نمی‌کنید؟»

— ما اگر سبک‌های مختلف موسیقی را در شرایط خوب در کشور داشته باشیم، می‌توانیم از توریسم و صنعت آن بهره ببریم. اینکه مادر دولت آقای روحانی توانسته ایم ۹۰ درصد از کنسرت‌های لوس آنجلسی کشورهای همسایه را کم بکنیم، این نشانگر این است که ما توانسته‌ایم بین عرضه و تقاضا در کشور مان، تعادل ایجاد کنیم. یعنی محصول مورد تقاضای مردم را در کشور تولید کنیم تا مردم ما برای کنسرت‌های لوس آنجلسی به کشورهای همسایه نروند.

«البته منظور من جذب مخاطب خارجی حاضر در ایران بود»

— توریست‌ها هم جذب کنسرت‌های داخل شده‌اند. جانی گفته نشده است ولی ما شاهد این مسئله هستیم.

«اگر چنین سیاستی دارید، باید از شما سیاست‌گذار بود. چون زمانی نفت ما تمام می‌شود و توریسم، ارزآوری خوبی خواهد داشت. اما می‌توان به امار شما اعتماد کرد؟»

— بله؛ ۱۵۰ کنسرت در سال ۱۳۹۱ در کشورهای همسایه برگزار شده بود که در سال ۹۳ و اواخر ۹۲، به ۱۵ کنسرت تقلیل پیدا کرده است. حتی کاهش تبلیغات آنها در شبکه‌های ماهواره‌ای نیز گواه این ادعاست.

این امرانه نیست و انتخاب مردم است. البته گران بودن بلیت کنسرت‌های یکی از مشکلات پیش روی ماست. قصد داریم که کنسرت‌ها را ارزان کنیم و ما به عنوان متولی قیمت‌گذاری در این راه کوشا هستیم. متأسفانه بالا بودن اجاره سالن‌ها و دستمزد خوانندگان، عواملی شده است که قیمت کنسرت بالا رفته است. اولاً باید نرخ‌ها گردشی باشد و در ثانی باید بیس‌بالا ترین و پائین ترین قیمت بلیط، تلورانس زیادی ایجاد شود. مثلاً VIP ۵ میلیون اما آخر سالن باید دو هزار تومان شود. تا هم کارمند و هم جراح بتوانند به کنسرت بیایند. ما داریم سالن خاوران در جنوب شهر را فعال می‌کنیم. قانون به ما امکان نرخ‌گذاری کنسرت‌های موسیقی را می‌دهد.



نگاهی به رباعیات ایرج زبردست در کتاب حیات دوباره رباعی

# رباعی؛ قالب دیرپای شعر فارسی

ادامه از صفحه اول

که می بینیم مصرع اول و سوم قافیه ندارند، اما مصرع دوم و چهارم یعنی کارون و بیرون هم قافیه هستند. یا این شعر فروغ فرخزاد:

آه ای زندگی منم که هنوز / با همه پوچی از تو لبریزم  
نه بر اینم که رشته پاره کنم / نه بر آنم که از تو بگریزم  
وقس علی هذا. یک مفهوم دیگر رباعی و یک مصداق و ترجمه دیگرش می تواند «دوبیتی» باشد، اما می بینیم و می دانیم که دوبیتی - که به آن «ترانه» هم می گویند - و یکی از کوزه های ترن، رساترین و صمیمانه ترین قالب شعر فارسی است؛ اولاً بر وزن مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن (یا فاعولن) است و در اشعار فولکلوریک یا «فرهنگ مردم» یکی از متداول ترین گونه های شعرهای مردمی است؛ مثل دوبیتی زیر که مانند بسیاری دیگر از دوبیتی های فولکلوریک، گوینده اش شناخته شده نیست.

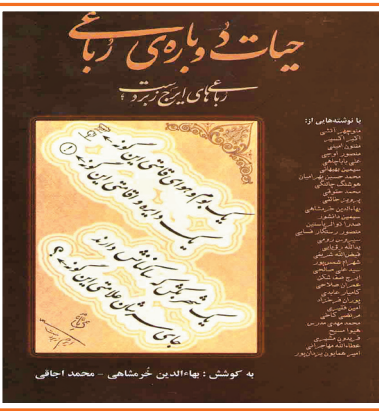
درختی سبز بودم کنج بیشه / ترا شنیدن منو با ضرب تیشه  
ترا شنیدن منو قلیون بسازن / که آتش بر سرم باشد همیشه  
اما نماد ارجمند دوبیتی در ایران، بابا طاهر عریان همدانی است. مردی عارف، شاعر، پاکبخته، عاشق و بالاتر از همه «انسان» که در قرن چهارم هجری در همدان به دنیا آمده است. دوره نام آوری اش اواسط قرن پنج هجری بوده و گویا با طغرل شاه سلجوقی نیز دیداری داشته است. ترانه های بابا را جزو «فهلویات» و یا اشعار عامیانه (روستایی) دانسته اند، اما روح دانایی و عرفان و وارستگی و عشق شاید لاهوتی صیغه نمایان آن است:

خوشا آنون که پا ز سر ندونن / بهون شعله خشک و تر ندونن  
کنشت و کعبه و بتخانه و دیر اسرائی / خالی از دلبر ندونن  
طبعاً قالب دوبیتی هم از «رباعی» باز شناخته شده و تفکیک می شود. نوع دیگری از اشعار دارای فقط دو بیت متحدالموضوع - یا متحدالمحور - داریم که به «رباعی» مشهور است که عنوان و نام گذاری آن، این شبهه را به وجود می آورد که از ادب منظوم عرب وارد ادبیات فارسی شده و حال آن که قالبی ایرانی است و به آن خواهیم پرداخت. این قالب با وزن شعر را با آیه مبارکه که «لا حول ولا قوه الا بالله» تطبیق داده اند که حکیم «عمر خیام نیشابوری» و «ابوسعبد ابو الخیر» نمایندگان نام آور و تام و تمام آن در تاریخ ادبیات شاعرانه ایران هستند، یکی در موضوعات فلسفی و حکمی و تا حدی تشکیک آمیز و دیگری در مفاهیم عارفانه و صوفیانه. فی الحقیقه «چارانه» می تواند برای هر شعر دارای دو بیت مفغایی به کار رود اما «رباعی» تشخیص و استقلال خودش را دارد و بهتر است آن را به همان عنوان «رباعی» و یا به پیشنهاد ستوده شاعر ارجمند معاصر بانو «پوران فرخزاد» «روایی» (از رایج بودن و روان بودن و شیاع در بین مردم) بنامیم. می دانیم که خاتم پوران فرخزاد شاعر است و شعرپژوه (و غیر مصفانه است اگر هنوز او را فقط خواهر فروغ فرخزاد معرفی کرده و از شعر او سخن نگیریم.) او چند سال پیش مجموعه ای از «روای های خود را با عنوان «چنگ مشوش» منتشر کرد که طی آن رباعی ها یا روای های زیبا و دلنوازی به دوستانداران ارائه نمود. رباعی نیز حالت و جان و جَنَمی مثل دوبیتی دارد. احتیای این نوع شعر به بیان مفاهیم عقیدتی، فکری و فلسفی، عرفانی و آسمانی بیشتر در محط نظر شاعران بوده و وزن آن هم - همان طور که گفته شد - «لا حول ولا قوه الا بالله» است که حتی همین تطابق وزن می تواند مُشعر بر اسناد نوعی قداست و معنویت به آن باشد. دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعراء خود داستانی می آورد که قدمت و خاستگاه آن را بر ما می نمایاند: «حکایت کنند که یعقوب بن لیث صفاری که در دیار عجم اول کسی است که بر خلفای بنی عباس خروج کرد او پسری داشت و ا ی یعقوب لب لیث] او را دوست می داشت. روز عید آن کودک را نوک دکان دیگر «جوز» «گردو» می باخت. امیر به سر کوی او رسید و به تماشای فرزند ساعتی بایستاد، فرزندش جوز می باخت و هفت جوز به گو» «گودال» افتاد و یکی بیرون جست، امیر زاده ناامید شد. پس از لمحهای آن جوز بر سبیل رُجع القهقری [پسپاس بر گشتن] به جانب گو غلطان شد. امیر زاده مسرور گشت و از غایت سرور بر زبانش گذشت: «غلطان، غلطان همی رُود تاین گو» یعقوب را این کلام به مذاق خوش آمد. ندما و وزراء حاضر گردانیدند گفتند از جنس شعر است و «ابو دلف عجمی» و «الکعب»

به اتفاق به تحقیق و تطبیق مشغول شدند. این مصراع را نوعی از «هَزَج» یافتند. مصرعی دیگر موافق آن ساختند و «دوبیتی» نام گردید. چند گاهی دوبیتی می گفتند تا آن لفظ دوبیتی نیکو ندیدند. گفتند که این، چهار مصرعی است. رباعی می شاید گفتن و چند گاهی اهالی فضایل به «رباعی» مشغول بودند... «ابوسعبد ابو الخیر» (متولد ۳۵۷ و متوفای ۴۱۰ ه.ق.) بهترین نمونه های رباعیات عارفانه و خدایر ستانه و معنوی را خلق کرده است:

از چهره همه خانه منفش کردی / وز باده رخاں ما چو آتش کردی  
شادی و نشاط ما یکی شش کردی / وقت خوش باد که وقت ما خوش کردی  
(با معنی باد (رعایی) و در بسیاری از لهجات فارسی هم اینک نیز به کار می رود) فرصت مناسبی است که بگوئیم در ابتدا هر چهار مصرع رباعی دارای قافیه بودند ولی بعدها الزام قافیه از مصرع سوم سلب شد اما نمونه های زیادی هم داریم که هر چهار مصرع دارای قافیه هستند. این هم رباعی دیگری از یوسعبد بدون قافیه در مصرع سوم:

و افریاد از عشق وافر یاد / کارم به یکی طرفه نگار افتاد  
گر داد من شکسته دادا دادا / ورنه من و عشق هر چه بادا بادا  
به هر حال این قالب و این وزن و این ظرف همواره مورد اقبال و استقبال شاعران و شعر دوستان بوده که ما این که در دیوان ها و مجموعه شعرهای بسیاری از شاعران متقدم، متأخر و حتی معاصر (یعنی از نهضت مشروطیت به بعد) معمولاً بخشی تحت عنوان «رباعیات» یا «فی الرباعیات»



وجود دارد که چارانه هایی در بیان مفاهیم مورد نظرشان ارائه کرده اند و معمولاً کوشیده اند و سه مصرع اول در خدمت مصرع چهارم باشد و این مصرع چهارم مطلب را ادا کرده و نوعی شوک به خواننده یا شنونده وارد نماید. حافظ بزرگ هم رباعیاتی خوب و خواندنی و ماندگار دارد اما شاید تا حدی تحت الشعاع غزلیات پر شکو هش قرار گرفته باشند. اما حکیم عمر خیام نیشابوری متولد ۴۳۹ و متوفای ۵۲۷ ه.ق. مرد رباعی است، نماینده و نماد رباعی و جز رباعی از او نوع شعر دیگری - به طور مستند و معتمد - نقل نشده.

از روی حقیقی نه از روی مجاز / ما لمبتکاینم و فلک لمبت باز  
باز بچه همی کنیم بر نطق و جو / و قتم به صندوق عدم یک یک باز  
که می بینیم علاوه بر مفاهیم فلسفی تا حدی بدبینانه یک نسوع نمایش و تأثر آیینی و سستی را که در زمان وی (صورتک بازی) نیز رایج بوده نشان داده است و آن صحنه نمایش را با صحنه زندگی انسان ها تطبیق داده. رباعی در طول تاریخ ادبی ایران فراز و فرودهایی داشته. گاه بنابر حسب اقتضات زمانه، یا شرایط دربارها یا اوضاع سیاسی و اجتماعی مغلوب قصیده و غزل و مسططات و ترجیع و ترکیب بندها شده و گاه هم به فراز رسیده که نمونه های آن یعنی آثار یوسعبد و خیام را بر شمردیم. رباعی از دیرباز در بین شاعران و مردم این کشور و فارسی زبانان این قدر



سید محمود سجادی

رواج و شیاع داشته که یکی از شاعران عصر صفوی فقط «رباعی» می سروده و کما هم بسیار زیاد و به همین جهت به «میرزا رباعی» مشهور بوده و در تذکره ها و تراجم احوال شاعران در آن دوره معرفی شده و نمونه هایی از رباعیاتش نقل شده است. از زمان مشروطیت به بعد به خاطر سیاسی شدن شرایط و نامناسب بودن قالب رباعی برای بیان مفاهیم آزادخواهانه و سیاستگرایانه تا حدی فراموش شد یا به اعتبار و رواج سابق خود نماند. اما در سه چهار دهه اخیر رویکرد نمایشی به این قالب در بین شاعران، از هر سن به ویژه جوان ها دیده ایم تا حدی که کتابها و مجموعه شعرهایی فقط در قالب رباعی به جامعه کتابخوان و شعر دوست کشور عرضه شده است. یکی از این شاعران، ایرج زبردست است. شاعری اهل شیراز که ۱۲ دی ماه امسال (۱۳۹۳) چهل ساله می شود و طبعاً هنوز سال های جوانی را می گذراند. از ایرج زبردست در چندان سال اخیر چندین مجموعه رباعی خوب و مقبول خوانده ام. در سال ۱۳۹۰ مجموعه ای با عنوان «حیات دوباره رباعی» منتشر شد که استاد بهاء الدین خر مشاهی - شاعر، شعرپژوه و محقق ارجمند به همراه آقای محمد اجاقی تعدادی از رباعیات او را گرد آورده و به همراه نوشته ها، نامه ها، تقریظ ها و اظهار نظرهایی از شاعران و منتقدان معاصر به چاپ رسانده اند از جمله آنها: زنده یادان منوچهر آتش، سیمین دانشور، (نویسنده بزرگ که البته شاعر نبودند و کمتر به مقولات شعری می پرداختند) سیمین بهبهانی (غزلسرای نامدار و صاحب مکتب ایران)، فریدون مشیری، محمد حقوقی و تعدادی دیگر از صاحب نظران از جمله: منصور رستگار فسایی، کامیار عابدی، مرتضی کاخی و... من خدمت دوست دیرینه عزیزم استاد بهاء الدین خر مشاهی متواضعانه عرض می کنم آیا معتقدند که قالب رباعی مرده بوده و ایرج زبردست به آن «حیات دوباره» داده اند؟! من گمان این نیست. می گویم ایرج زبردست در ادامه رباعی سربانی آگاهانه رباعیاتی زیبا و تازه سروده اند و فی الحقیقه کار آنها را به نحو دلپذیری تکمیل کرده اند. مضامین این رباعیات زیبایند. فعلاً موقعیت را برای ورود در رباعیات ایشان - به طور انتقادی مناسب نمی دانم بررسی نقادانه فرصتی دیگر می طلبد. نحوه بیان و فرم و چینش کلمات و استفاده «غیر ما وُضع له» از ضمائر در این رباعیات تازگی دارد بی این که با سبست رباعی تطبیق داشته باشد:

اشراق تماشا می باور باشی / از عرش خدا نیز فراتر باشی  
صد کعبه نماز می گزارند تو را / یک لحظه اگر به جای مادر باشی  
که فرزندانه و به نحوی مؤثر مقام والای مادر را می ستاید. هنجار شکنی هایی هم در این رباعیات دیده می شود که شاید برای این کار دلایل هنری و ذوقی داشته باشد. یکی از رباعیات خوب کتاب این است:

پاییز... / درخت... / باد... / بی برگ و بری  
شب... / صاعقه... / مه... / پرنده و درباری / کابوس  
چنان است که در باغ زمان / هر شاخه به دست خویش دارد تبری  
درونه شعر سرشار از بدبینی و سیاه نگری است. مرگ واژه کلیدی این رباعی و بسیاری دیگر از سروده های او است و این از شاعری پر تکاپو و هنوز جوان محل ایراد است همین طور در این رباعی:

هستی نفس ساعت سرگردانی است / در فانیها دلهره پنهانی است  
تسبیح قیامت است در دست زمان / هر دانه آن جمجمه انسانی است  
میل دارم این مقاله و مطلب را و این تبریک تولد را با این رباعی این شاعر به پایان برسانم

شب ساعت ابری مرا داد به تو / افتاد نگاه خسته باد به تو  
باران زد و خیس شد تن خاطره ها / باران زد و باز بادم افتاد به تو  
به هر حال برای این دوست و شاعر عزیز در آستانه چهل سالگی آرزوی تندرستی و شادی و نشاط و کمتر به مرگ اندیشیدن و بیشتر به زندگی و ارزش های آن بها دادن دارم.

شیراز - آذر ۱۳۹۳

فهرست منابع:

- ۱- بهار، محمد تقی (ملک الشعراء)، سبک شناسی، انتشارات پرستو (میرکبیر)
- ۲- رضا زاده شفق (صادق)، تاریخ ادبیات ایران، چاپ اول ۱۳۲۰
- ۳- سجادی، محمود، قندیل، فردوسی، اهواز، ۱۳۴۱
- ۴- همایی، جلال الدین، صناعات ادبی (فن بدیع و اقسام شعر فارسی) مطبوعات علمی، تهران



محمّدعلی علومی

## طنز در گلستان سعدی

شرح طنز

حکایت به موضوع مبتلا به جامعه می پردازد و طنز اجتماعی است. طنز آشکار است. زیرا به وضوح رفتار شخص اصلی این حکایت، در تضاد طنز آمیز با رفتار عاقلانه است.

طنز موقعیت است زیرا جایگاه و موقعیت بیطار، معالجه حیوان است و نه انسان، اما در تضاد با موقعیت شغلی و اجتماعی بیطار، شخص اصلی این حکایت برای معالجه چشم درد خود نزد او می رود و عجیب تر این که بیطار هم، این معاینه و معالجه را می پذیرد.

طنز عبارت از همان ابتدای حکایت شروع می شود: «مردکی» را چشم درد خاست.

و یسا این که: «اگر این خبر نبودی، پیش بیطار نرفتی.»

حکایت

سالی از بلخ بامیانم<sup>۱</sup> سفر بود و راه از حرامیان<sup>۲</sup> پرخطر. جوانی بدرقه<sup>۳</sup> همراه من شد سپرباز، چرخ انداز<sup>۴</sup>، سلحشور، بیش زور، که به ده مرد توانا کمان او زه کردند، و زورآوران روی زمین پشت او بر زمین نیاوردند.

ولیکن چنانکه دانی متنعم بود و سایه پرورده، نه جهان دیده و سفر کرده، رعد کوس دلاوران به گوشش نرسیده، و برق شمشیر سواران ندیده.

نیفتاده بر دست دشمن اسیر

به گردش نباریده باران تیر اتفاقاً من و این جوان هر دو در پی هم دوان. هر آن دیوار قدیمش که پیش آمدی به قوت بازو بیفکندی، و هر درخت عظیم که دیدی به زور سرپنجه برکندی، و تفاخر کنان گفتی:

پیل کو، تا کتف و بازوی گردان ببند

شیر کو تا کتف و سرپنجه مردان ببند  
ما درین حالت که دوهندو از پس سنگی سربر آوردند و قصد قتال ما کردند.

به دست یکی چوبی، و در بغل آن دیگر کلوخ کوبی<sup>۵</sup> جوان را گفتم: چه پایی؟

بیار آنچه داری ز مردی و زور

که دشمن به پای خود آمد به گور  
تیر و کمان را دیدم از دست جوان افتاده و لرزه بر استخوان.

نه هر که موی شکافد به تیر جوشن خای

به روز حمله جنگاوران بدادر پای  
چاره جز آن ندیدیم که رخت و سلاح و جامه ها را کردیم و جان به سلامت بیاوردیم.

به کارهای گران مرد کار دیده فرست

که شیر شرزۀ درآرد به زیر خَم کمند  
جوان اگر چه قوی پال و پیلان باشد

به جنگ دشمنش از هول بگسلد پیو ند

نبرد پیش مصاف<sup>۶</sup> از موده معلوم است

چنانکه مسئله شرع پیش دانشمند

پی نویس

۱- شهری مشهور در نزدیک بلخ

۲- دزدان، راهزنان

۳- راهنما

۴- کماندار

۵- وسیله ای است مانند پیل با دسته بلند و بر سر آن قطعه چوبی است مانند پتک دو سر برای کوبیدن و نرم کردن کلوخ های زمین پیل زده.

۶- خشمگین، تند و تیز

۷- جنگ

ادامه دارد





امید بیگدلی

## موسیقی چین در ختی بارور

«فلسفه، تفکر و الهیات هر قوم و تمدنی، تأثیرات بلاشک در تحقق هنر آن تمدن دارد. جند خدائی موجود در تمدن هندی - خدایان اساطیری یونانیان - یزدان محوری «الهیات» ایران و ثنویت سرزمین چین، هر یک به شکلی در هنر آن تمدن‌ها تأثیرات محوری داشته‌اند. مفهوم دوگانگی در اجرای موسیقی‌های چین باستان نشانگر این واقعیت ژرف است که در تفکر چینیان تا چه حد تضاد و حتی تناقض اساسی میان مفهوم خیر و شر امری جدی و جهت بخش بوده است.

### مفاهیم برآمده از حکمت کهن

مفاهیم شکل دهنده اندیشه چینی با سنت پیامبران الهی سامی، در خاورمیانه و خاور نزدیک تفاوت‌های اساسی دارد که یکی از مهمترین آنها، تفاوت میان دین و حکمت است. حکمای چینی همچون لائوتسو (Lao Tzu) و کونگ‌فو (Kangfu Tzu) یا همان کنفوسیوس (۵۵۱ تا ۴۷۹ ق.م)، هرگز داعیه پیامبری یا رسالت از جانب پروردگار عالم در ادیان و حیاتی را نداشته‌اند. آنان حکیم‌اند. حکمای ژرف اندیشی که همواره بر این موضوع تأکید داشته‌اند که آنان اهل تفکر ژرف و اندیشه مدام و بدون پیش فرض و تعمق در هستی در سکوت محض‌اند.

حکمت راستین از درون تفکر، مداومت در تفکر و مبارزه خستگی‌ناپذیر (که در ورزش‌های کهن چون کونگ‌فو، ووشو... متجلی است) برای رسیدن به یقین حاصل می‌گردد. موسیقی چین، متأثر از عوامل طبیعی و تأثیر حکمای مذکور سرشار از عرفان پر رمز و راز و مالا مال از اشارات و تلویحات به عالم آرامش راستین و عرفان نهائی خاور دور است.

جوهر وجودی انسان در تائوئیسم به «مایه» در موسیقی چین تشبیه شده است. در آیین کنفوسیوسی، نقش موسیقی باز هم پررنگ‌تر می‌شود. نوشته‌های خود کنفوسیوس شامل دو بخش: کتاب نغمات (آواها) و کتاب تاریخ است.

رویکرد کنفوسیوس به موسیقی حتی، پس از ۲۵۰۰ سال، کماکان رویکردی متافیزیکی است. در اثر وی برای نخستین بار به شکل جالب و در عین حال هندسی، موسیقی بر اساس عناصر کیهانی و انتظام‌فلکی، محقق می‌شود. در رویکردی اجمالی، همین مقطع خاص تاریخی است که تقریباً تمامی تمدن‌ها، اعم از هلنی - ایرانی - چینی و... به شکل خاص و متفاوتی وارد عصر طلایی فرهنگ و تمدن نظام‌مند خویش می‌شوند. (رویکرد ژرف و آموزنده فیلسوف فقید کارل یاسپرس، در این خصوص، در کتاب آغاز و انجام تاریخ و بررسی دوران محوری، در نوع خود بی‌نظیر است. در همین حد فاصل، یعنی عصر کونگ‌فو تا پایان کار دودمان (چو) تئوری موسیقی و به طور کلی دانش موسیقی چین بزرگ چنان تکامل می‌یابد که هم حاوی بزرگترین فصول هنر چین است و هم بستری برای آنچه که طی سده‌های متمادی به این گنجینه افزوده شد.

**بنیادهای موسیقی چین: اسطوره، حکمت، واقعیت**

کتابی که تحت عنوان «لوشه جوان چو» شناخته می‌شود، در قرن سوم قبل از میلاد مسیح به رشته تحریر در آمده است. اصل هر آفرینش موسیقائی شد در موسیقی چین، اصل بی‌زوال، مقدس و سنگ‌بنای هر نغمه است. مایه اصلی، همچون هر می و وارونه است که هر آنچه خواهد بود، آن استوار می‌گردد. مایه یانیت اصلی، برده مرجع و معیار تطبیق و همخوانی است. برده اصلی یا هوآنگ ژونگ، هم آغاز است، هم معیار، هم غایت. در اساطیر آمده است که امپراطور «لی پنگ لون» در میانه کوه‌های باختری چین، یک نی بامبورامی‌یابد، آنرا برش می‌زند و هنگام دمیدن در آن دقیقاً پرده مبدأ شبنده می‌شود. جالب‌تر اینکه این صدای یعنی پرده مقدس، تطبیق تام و کامل با صدای انسان دارد.

اگر صدای انسان بدون هیچ هیجان، خشونت شادی، رنج و ترسی، کلامی به زبان آورد، موسیقی آن کلام با پرده مبداء در موسیقی چین تماماً تطابق دارد. هر چند که گفتن کلمات بدون هیچ کنش عاطفی عملاً برای آدمی، ناممکن است.

ادامه دارد

نگاهی به مجموعه شعر «وقتی صدا را مرتکب شدم». سروده میثم ریاحی / انتشارات نگاه / ۱۳۹۳

# شاعری در گیر عمق کشف خویش



علی جهانگیری

در کارهای ریاحی قابل مشاهده است:

«به کجا / به من / و یا سنجابی که نگران افتادن آسمان است / و نگران چشم‌های واژگونی / که هر بهار / هذیان‌قناری را / به باد می‌گویند» (ص ۱۳)

گاهی این ابهام پردازی در گزاره، حاصل فاصله‌گذاری در میان یک گزاره شعری است: «فردا / در جیب هر رهگذری باشد / نیمی سوال و / نیمی عینک شکسته است» (ص ۳۲)

بین دو سمت گزاره «نیمی سوال و / نیمی عینک شکسته است» فاصله‌ای ایجاد شده که شاعر عمداً از بیان آن گریز زده است. فاصله‌ای که به سکوت برگزار می‌شود و این نوع ابهام حاصل فقدان است. نوعی فقدان که به رابطه‌های متداول شکل‌گیری معنا تن نمی‌دهد: «وقتی می‌آیم / از لبخند تو / و دیوانگی خورشید» (ص ۶۴)

در چندین شعر، روش ریاحی برای ایجاد ابهام استفاده از سکوت و فقدان در یک گزاره است. این نکته و موارد دیگری که بر شمردم و بسیاری دیگر که ناگفته آمده، من را در این فکر یاری می‌کند که ریاحی را در شمار شاعرانی طبقه بندی‌نمایم که دارای دغدغه‌های زبانی بیشتری هستند. و ریشه خلق موقعیت‌ها و ابهام را در زبان می‌دانند و نه در عمق دادن به معنا.

امادر مواردی هم هست که تمام این دغدغه‌ها به یک سو گذاشته می‌شوند. بوطیقای خویش را رها می‌کند و عنان را به دست واژه‌ها می‌سپارد که او را به دنبال خویش به جایی دیگر ببرند. در این جاهاست که می‌شود رگه‌های رومانسیسم را در شعرهایش مشاهده کرد.

رگه‌هایی که به گمان من اصالت دارند و با شناخت نسبی من از شخصیت شاعر، جزئی جدا نشدنی از او هستند. این نمودها را می‌توان در کارهای کوتاه و عاشقانه‌اش بیشتر دید:

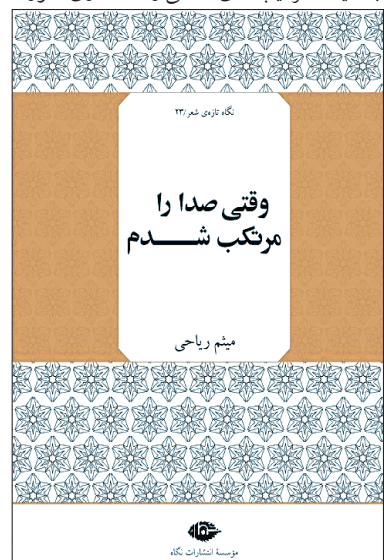
«می‌گویی / دوستت دارم / من / سر می‌خورم / از شب لطیفی / که به شیشه می‌چسبانی» (ص ۲۶)

در پایان جدای از نگاه تحلیلی، ستایشی در قلبم دارم که می‌خواهم صادقانه نثار ریاحی و امثال او نمایم. شعر او تابع هوچی‌گری‌های ادبی زمانه نشده و با پشتکاری قابل وصف، مسیر خویش را پی می‌گیرد. این نکته، او را از فقدان عمق در حواشی دور می‌کند و ناخودآگاه در گیر عمق کشف خویش می‌نماید. درگیر کشف و خلق جهانی از کلمات شاعری جوان، به نام «میثم ریاحی».

می‌شود، مشخص می‌گردد که طبیعت‌گرایی ریاحی، پای خود را از طبیعت بیرون می‌گذارد و استفاده از عناصر بیرونی بانگاهی سمبولیستی کاملاً درونی می‌شوند؛ هر چند ممکن است بسیاری از این عناصر به نماد نرسند.

«و از چهره اش باز / یک صدف / در پیراهنم / هیچ وقت / نمی‌افتد» (ص ۵۴)

یک مورد مهم نیز رویکرد فاصله‌گذاری‌هایی است که ریاحی انجام می‌دهد. برای گریز از پوست بیرونی اشیاء و درونی کردن این نشانه‌ها که معمولاً بسا ایجاد ترکیب‌های اضافی و استعاری صورت



می‌گیرد: لکنست عقیق / خواب قبر / آوازی گم / تربیت سنگ / هذیان‌قناری و بسیاری دیگر. آن چیز که وفور ترکیب‌های اضافی را قابل اعتنا می‌کند، همان نوع ایجاد ابهام در یک شاعر است. خصوصاً این که این ترکیب‌ها ارجاع به بیرون خود ندارند، در خود می‌پیچند و خلق موقعیتی جدید در زبان می‌کنند. نماد نمی‌شوند، نوعی چرخ زدن در خود، نوعی به رخ کشیدن ظرفیت‌های زبان.

و نکته دیگری که از این حیث قابل بیان است، استفاده شاعر از تشخیص و انسان‌نمایی است، که نوعی استعاره می‌باشد. ریاحی در استفاده از این نوع استعاره هم دست خویش را کاملاً باز کرده است. اگر در محورهای هم‌نشینی وفور ترکیب‌های اسمی یا اضافی را داریم، در محور جانشینی هم وفور نوعی استعاره کنایه‌ای (تشخیص یا انسان‌نمایی)

میثم ریاحی در مجموعه شعر «وقتی صدا را مرتکب شدم»، شاعری زبان‌گراست و دغدغه‌های مخاطب‌گرایی در کارهای او کمتر دیده می‌شود؛ زیرا دغدغه زبان کاملاً در کارهایی از این دست مشهود است و «پاز» نیز در جایی گفته است: «شعر چیزی جز ایجاد زبان نیست».

در بسیاری از کارهای ریاحی، ساختار و فادار به لحن یا فضا است. موتیوهایی که ایجاد می‌شود، به استقلال تک بیت در شعر کهن شبیه هستند. تابع روایت نیستند، خطی اجرا نمی‌شوند، از طول تبعیت نمی‌کنند؛ اما همین پاره‌های مجزا از یک حس و یک بستر بهره می‌گیرند:

«و غروب / وقتی پرستو / آویزان / از سینه‌ی خودش / مبدل به اشک می‌شود / و هنگامی که هوا از شکل افتاده و هم آغوش با قفل درهای بیمارستان است / کوهستان را / در دهانم / وزیده است» (ص ۱۱)

در تمام این سطرها که از یک شعر انتخاب شده، شاعر به جای روایت به یک لحن و مضمون و فضا وفادار مانده است و لحن چالش‌بیشترین سهم را در این میان به گمان من داراست.

گاهی نیز چنان عناصر یک کار چنان به هم گره می‌خورند که قابل تفکیک نیستند و در پایان بندی کارها نیز اندیشه به انجام، گاه‌رها می‌شود، و فرجام با سوال آغاز می‌شود:

«چگونه مرده‌ام وقتی / از زانوان زنی آمده‌ام / و میان گل‌های سرخ / در شانه‌های زنی / بال می‌زنم» (ص ۵۶)

نکته مهم دیگر جنس ابهام و پیکره بندی ابهام در کارهای ریاحی است که به گمان من از مؤلفه‌های مهم هر دوره است و نوع گرایش شاعر به ابهام‌های ایجاد شده در آثارش تا حدودی سهم او را از زمان و همین‌طور جغرافیای زیست مشخص می‌کند. این که ریاحی شاعری شمالی است و مثل اکثر شاعران شمال نوعی ناتواریسم و طبیعت‌گرایی در کارهای او نقشی غیر قابل انکار دارد، کاملاً عیان است. او نیز مثل بسیاری درگیر جغرافیای ایجاد شعرهاست. عناصر طبیعی و پیرامونی چنان زندگی شاعر را انباشته است که عبور از من شاعر را بدون واگویه همین عناصر، امکان‌پذیر نمی‌کند:

«کوهستان را / در دهانم / وزیده است / یاد با کدام جمله باران را به لبخندهای آینه چسباند» (ص ۱۱)

اما همین طبیعت‌گرایی وقتی دقیق‌تر بررسی

آدم برفی کوچ می‌کند  
و دوباره چشم‌های شبه پالتوی پدر دوخته می‌شود  
زمان  
عمق آکواریومی است  
که انگار از نفس‌های رودخانه بالامی‌آید  
مادر  
با گردگیری اتاق‌ها  
خرس‌های قطبی را بیدار می‌کند  
چه کسی کلاه لبه دار پدر بزرگ را از سرش انداخته؟  
چه کسی فتیله سماور مادر بزرگ را پایین کشیده؟  
ما در مرگی تدریجی زنده ایم  
که هیچ وقت آنها را به یاد نمی‌آوریم  
به آخرین برگ سرسید برسی  
نفت یک بارد دیگر ملی اعلام خواهد شد



## نفت

امید بیگدلی

سال باتمام خستگی‌اش  
روی پاشنه می‌چرخد  
پدر در فکر تمدیدخانه اجاره‌ای مان همه را می‌بوسد  
و خواهر کوچک در انتظار افتادن سیب‌ها  
پیک نوروزی‌اش را  
رنگ  
رنگ  
رنگ می‌کند







بهروز قطبی

بهروز قطبی به روایت قطب الممالک

# رکورددار اسامی مستعار در نشریه های طنز هستیم!

\* همه زندگی حرفه ای را می توان گفت که دوزیستی بوده و از راه نوشتن تومان طنز و جد گذشته است، با این تفاوت که گاهی هر وقت خواسته ام طنزی بنویسم، جد از آب در آمده است و بالعکس! وقتی کسی ۳۷ روز پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از پدری کرد و مادری قزوینی در خیابان عباسی خاکی، حوالی میدان گمرک تهران متولد شود و مثل بسیاری از هم سن و سال هایش، مهم ترین سرگرمی تابستانی اش

و مترو و ون، ما را بشناسد و به بغل دستی اش بگوید «پارو را می بینی، طنز نویسه!»، چه رسد به این که بیاید از ما امضاء هم بخواهد!

**توصیه ای که به درد امروزی ها هم می خورد!**  
\* دو هفته بر من مثل دو قرن گذشت، تا دومین مطلبم با عنوان «گنج» در مجله کاریکاتور ۲۵ بهمن ۱۳۴۹ چاپ شد، که با خود گفتم این دفعه دیگر حتما مشهور می شوم و همه از من



در کنار احمد عربانی، کاریکاتوریست گل آقا

امضا می خواهند! این بود که در صدد تمرین امضای شخصیت های محبوب و مشهور برآمدم، اما متأسفانه هیچوقت ۲ امضایم شبیه هم در نمی آمد، که این وضع تا امروز هم ادامه دارد و گاهی موجب مشکلات بانکی هم می شود!

آن هفته هم در بیم و امید گذشت و از شهرت و ثروت افسانه ای خبری نشد. در سومین هفته نه تنها مطلب دیگری به سبک کلیله و دمنه با عنوان «چنین کنند بزرگان...» از من چاپ شد، اما یادم نیست برای سردبیر کاریکاتور چه نوشته بودم که در ستون «دستخط شما زیارت شد»، پاسخ ام را چنین داد: «آقای ب-قطبی، به قول شاعر، حافظ وظیفه تو دعا کردن است و بس، در بند آن نباش که نشینی یا شنیدی.

شما بنویسید و بفرستید، در بند آن نباشید که چاپ شد یا نه!

از شوخی گذشته بی انصافی نکنید و قبول کنید که با وجود آنهمه داستان هایی که داریم و می نویسیم و می نویسند و می فرستند، باز هم یک هفته در میان اثری از شما در مجله چاپ شده و این خود سعادت است عظیم!

واجب نکرده که حتما داستان های بلند و وقت تلف کن بنویسید. تیکه، لطیفه، نکته، کلمات قصار و بالاخره مطالب اجتماعی و انتقادی کوتاه و دست آخر یکی دو تا هم نسبتا بلند بنویسید که هم شما متنوع نوشته باشید و هم ما بتوانیم مطلبی از شما داشته باشیم - موفق باشید.

توصیه های سردبیر مجله کاریکاتور به نظرم درست و منطقی آمد، تا آنجا که تا امروز کوشیده ام به آن عمل کنم و می پندارم که عمل به این توصیه ها می تواند برای طنزپردازان جوان امروز ما هم سودمند باشد، آن هم توصیه های یک طنزپرداز مبارز و پیشکسوت به نام غلامعلی لقایی (م.م سنگسری) که مانند بسیاری از هنرمندان کشورمان، سال ها قبل در تنگدستی و تنهایی و بیماری، نقاب در خاک کشید و با عالم طنازی وداع کرد!

**۳ سکه طلا جایزه بُردم!**

\* آبان ماه ۱۳۵۰ مجله کاریکاتور، سومین مسابقه خود را با موضوع «اگر معجزه گر بودم» به اجرا گذاشت که یکی از کارهایم در ستون آن چاپ شد و پس از پایان مسابقه ۳ عدد سکه طلا را برام به ارمغان آورد!

**حق تحریر ۴۷ تومانی!**

پس از مجله کاریکاتور، چاپ کارهای طنزآمیزم را که پیش از آن در سایر مجله ها کمابیش چاپ می شد، توسعه دادم که نخستین نتیجه آن، چاپ داستان «نخستین روز درس» در یک صفحه تمام مجله امید ایران دوشنبه ۴ بهمن ۱۳۵۰ بود و هفته بعد داستان یک صفحه دیگری به نام «شباهت» و سپس «گل طلا» در همان مجله و سایر کارهایم در برخی مجله ها مانند فردوسی چاپ شد که اگر ماجرای توقیف فلسه ای مطبوعات در آن سال ها پیش نمی آمد،



شاید تا امروز ادامه داشت! این را هم بگویم که اولین حق تحریر مطلب طنزآمیزی را که دریافت کردم، بابت فانتزی «خراج شب عید» در یک صفحه از مجله تهران مصور سال ۱۳۵۰ بود که بر اساس تعریف آن سال مجله یاد شده، ۵۰ تومان بود که با کسر ۲۵ ریال مالیات، در نهایت ۴۷ تومان و ۵ ریال به من تعلق گرفت که البته خیلی مزه داشت، چون احساس کردم که در ۱۸ سالگی یک طنزپرداز حرفه ای شده ام!

ادامه دارد



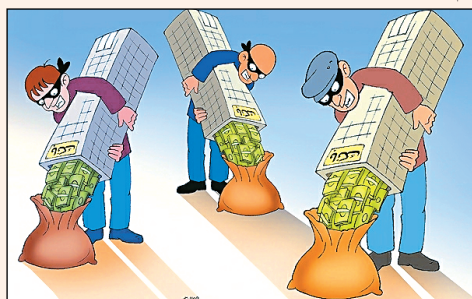
امیر رستگار

از فرمایشات ما

## بانک اشکانیان و برادران!

مفاسد خیلی بد است؛ اما در این مقطع حساس کنونی، به نظر حقیر که البته چندان هم قابل اعتنا نیست، مفاسد اقتصادی از نظر حساسیت فوق العاده استراتژیک، خیلی بد است. خدا قسمت نکند. از داخل مفاسد اقتصادی، خیلی مفاسد دیگر در می آید که مپرس!

کو تا ه خواسته باشم عرض کنم خدمت باسعادت شما، مفاسد اقتصادی (لعنه الله علیه) همان سرچشمه گل آلود بسیاری از مفسده های دیگر است که به قول شاعر، سر آن (چشمه) شاید با بیل بشود گرفت، اما اگر پر بشود، همچنین می شود که با بیل هم نمی شود از آن گذشت. مگر جرتیقل!



یکی از سازمان ها ساز و کارهای مخوفی هم که اگر درست اداره نشود، می تواند بستر ساز رشد انواع و اقسام آلاینده های اقتصادی گردد، همین مؤسسات بانکی کشور است که الان به دو دسته دولتی و خصوصی، تقسیم بندی فوری می شوند.

حتما خود شما مستحضر هستید و این چندسال اخیر از طریق اخبار رسمی مطلع گشته اید که تا به اکنون، بعضی از همین بانک های موجود، سرمنشأ برخی از مفاسد اقتصادی و اختلاس های کلان و کلاهبرداری های آنچنانی بوده اند که انگار این کلاه ها را به کمک همان جرتیقل هایی که بدان اشاره شد، از سر نظام بانکی کشور و بیت المال ملت برداشتند؛ و گرنه دست خالی که نمی شود یک همچنین کلاه های سنگینی برداشت.

**خبر مفسده انگیز:** یک عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، با انتقاد از نظارت ضعیف بانک مرکزی بر بانک های کشور گفت: متأسفانه برخلاف قانون، ۶۰ تا ۷۰ درصد سهام بعضی از بانک ها در اختیار افراد یک خانواده قرار دارد. — به نقل از جراید

**بسته پیشنهادی:** بعید است که نگارنده نیز همانند اکثر مسؤولان مملکتی، نگران و حیران برخی مفاسد اقتصادی و خواهان خشکانیدن ریشه های آن - اگرچه در محیط های بانکی بوده باشد - نباشد. فلذا بر ماست که رهنمود لازم را بدهیم:

**۱- انتخاب نام مناسب:** بعضی از بانک ها که به صورت گفته شده، یعنی خانوادگی، اداره می شوند؛ در نام تابلو بانک حتماً به این قضیه اشاره شود. به عنوان مثال: «بانک اشکانیان و برادران»!

**۲- معرفی اعضای خانواده:** چه اشکال دارد که در بانکی خانواده ای حضور داشته باشند؟ نهاد خانواده خیلی عزیز و محترم است. ما حتی نوشابه خانواده هم داریم. منتهی اگر در بانکی اعضای یک خانواده شریفی حضور دارند، لاقلاً شفاف سازی شود و اسامی این افراد همخون و قوم و خویش اعلام شود که مثلاً مشتریان آن بانک، از یک عضو خانواده، چندبار تأیید و وام نگیرند که باعث ایجاد زحمت برای یک عضو خاص نشود.

**۳- مراجعه خانوادگی:** چون سهام برخی بانک ها در اختیار اعضای یک خانواده قرار دارد، ضرورت اعطای وام و تسهیلات به اعضای یک خانواده هم درک شود. گاهی اعضای وابسته به یک خانواده سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، همه شان اگر موفق به گرفتن وام های خوبی می شوند، خب به خاطر همین توجه لازم به اساس خانواده است. کسی خرده نگیرد. خانواده تشکیل دهد، برود تسهیلات بگیرد.

**۴- دعوت به اتفاق خانواده:** از پاره ای بانک ها وقتی که برای حضور در برخی سمینارها و همایش ها دعوت به عمل می آید؛ فراموش نشود که پشت کارت دعوت نوشته شود: «آقای رئیس بانک فلان به اتفاق خانواده محترم»!



## سجاد حجازی

متولد ۱۳۵۹ - تهران

کاریکاتوریست و طراح گرافیک

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه

فارغ التحصیل رشته دکتری تخصصی آناتومی

برپایی چندین نمایشگاه انفرادی کاریکاتور و حضور در نمایشگاه های بین المللی

برنده جوایز داخلی و خارجی



